

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۱۰ تیرماه ۵۹ شماره ۷۱ تک شماره ۹۰ ریال

گفتگو با زحمتکشان محله جوانمرد قصاب



صفاخانم حشمتی کارگر کارخانه چیتری

در صفحه ۲

تبلیغات را دیوهای بیگانه را علیه انقلاب خنثی کنیم

روزنامه آمریکایی " نیویورک تایمز " در گزارشی که درباره فعالیتها و اقدامات مخالفین انقلاب ایران در خارج از ایران انتشار داده از جمله فاش ساختن که سازمان سیا به بخش برنامه رادیویی علیه دولت ایران به

نام " صدای ایران آزاد " کمک میکند به گزارش " نیویورک تایمز " مقامات آمریکا نیز این موضوع را تصدیق کرده اند و تصمیم مربوطه در یک جلسه ویژه کمیته مخصوص کاخ سفید در آذر ماه گذشته گرفته شده بود . رادیوی

" صدای ایران آزاد " که احتمالا در عراق مستقر است متعلق به دارودسته اویسی است ویکی از صداهای شوم علیه انقلاب ایران است . اگر چه فاش شدن این مسئله در مجموع مطلب تازه ای را برای مردم

میهن ما مطرح نکرده است و مردم انقلابی میهنمان از ابر قدرت جنایتکار آمریکا و نوکران وابسته اش انتظاری جز توطئه و خیانت ندارند اما بهر حال اقرار صریح مطبوعات سبیه در صفحه ۲

دانشجویان مبارز ایرانی علیه امپریالیسم آمریکا تظاهرات میکنند

۲۰ سال سابقه مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک است . هم بقیه در صفحه ۶

یک جاسوس روسی از ایران اخراج شد

آخرین خبر - صدای جمهوری اسلامی در اخبار بعد از ظهر دیروز اعلام کرد که یکی از کارداران سفارت شوروی در ایران بعنوان جاسوس از ایران اخراج شده است .
تا از این اقدام هوشیارانه دولت ایران که در جهت حفظ استقلال میهن است ، پشتیبانی میمائیم .

داماد بر ژنرف فرماندار افغانستان شد

داماد بر ژنرف که ۴۴ سال دارد در ایران ، پاکستان و ترکیه رئیس بخش جاسوسی شوروی بود

هامبورگ - آلمان غربی - خبرگزاری فرانسه - هفته نامه آلمان غربی " بلیت سائوتنگ " به نقل از سرویسهای اطلاعاتی غرب مینویسد :

در هفته جاری سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا عضو کنفدراسیون دانشجویان و دانش آموزان (سیس) به همراه سایر دانشجویان و ایرانیان مبارز در آمریکا دست به مبارزه پرشوری علیه فعالیتهای مشتی عناصر هوادار شاه و بختیار زده است .

روز یکشنبه ۸ تیرماه تظاهراتی از طرف عناصر هوادار شاه و بختیار در لوس آنجلس علیه جمهوری اسلامی ایران برگزار شد . فعالیتهای تبلیغاتی برای انجام این تظاهرات از چندین پیش در سراسر آمریکا شروع شده بود . شدت کنندگان در این تظاهرات حدود ۵ نفر بودند .

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و سایر نیروهای سیاسی مبارز در آمریکا با بسیج حدود ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان و ایرانیان مقیم لوس آنجلس و اطراف آن یک تظاهرات پر شکوه ترتیب دادند و به افشای عناصر طرفدار شاه و بختیار و دفاع از جمهوری اسلامی ایران پرداختند .

هنگامیکه صف عناصر طرفدار شاه و بختیار مقابل صف ایرانیان مبارز رسید ، درگیری شدیدی بین طرفین رخ داد . پلیس آمریکا در درگیری دخالت کرد و سه نفر از فعالین کنفدراسیون علی رشیدی ، (دبیر کنفدراسیون) ، رحمت الله جعفری ، و هوشنگ علائی دستگیر شدند .

کنفدراسیون دانشجویان و دانش آموزان ایرانی دارای قریب به

نماینده بندر افغلی قربانی انحصار طلبی شد

در جلسه رسمی دیروز (دوشنبه) مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران اعتبارنامه آقای حسینچا نی نماینده مردم بندر افغلی پس از تصویب از طرف اکثریت اعضا کمیسیون تحقیق (۱۵ موافق ، ۵ مخالف) به مجلس ارائه شد و اینکه بر طبق گفته مخابر کمیسیون تحقیق (دکتریزدی) هیچ گونه نقض حقوقی در مورد انتخابات

مجلس باید قیمت خرید گندم از دهقانان خرده با حداقل ۲۵ ریال باشد

مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در روز یکشنبه ۸ تیرماه جلسه علنی داشت و با اینکه جلسه از ساعت ۹ شروع شده بود ولی بعلت عدم شرکت کافی نمایندگان جلسه از ساعت ۱۱ صبح با شرکت ۱۸۳ نفر رسمیت پیدا کرد و اعتبارنامه ای

منوچهر منگی نماینده مردم کردکوی و بندر ترکمن

این نظام و این دستگاه در درجه اول بر مبنای مصلحت است و نه بر مبنای عدالت. چه از لحاظ شکل و فرم هم باید تغییر بکند و برخی افراد آن نیز باید پاکسازی شوند.

ولی چرا مسئولین دارند بدون برنامه‌های همه جانبه برای تغییر سیستم اداری تنها با عوض کردن برخی ظواهر و انجام برخی مانورهای گریبان خود را در طی چند روز از آنچه در یکسال و نیم انجام ندادند و از اصل مسئله خلاصی میکنند؟ و حتی بدتر از آن این امر را جناحی به وسیله کنایه زدن و کوبیدن جناح دیگر تبدیل می‌کنند.

اصلا معنای مبارزه با طاغوت زندگی در ادارات چیست؟ این بوروکراسی و این دستگاههای عریض و طویل اداری صرفنظر از شکل و صرفنظر از عناصر آن از لحاظ محتوی و ماهیت زائیده حاکمیت امپریالیسم بر میهن ما هستند. نظام اداری فعلی سالهای سال ابزار اجرایی سیاستهای امپریالیستی و ضد خلقی در ایران بوده‌اند. این دستگاهها، آنچنان ساخته و پرورده شده‌اند که هر آنچه را که رنگ ملی و نشانی از منافع خلق دارد تضعیف و تخریب کنند و بجایش وابستگی بنشانند.

امپریالیسم و نوکران داخلیش - مثلا - برای تضعیف و نابودی کشاورزی کشور ما چه ابزاری بهتر از وزارتخانه‌ها و بانکها و موسسات عریض و طویل مربوط به کشاورزی داشتند؟ مگر سالهای سال همین وزارت کشاورزی و همین به اصطلاح سازمان های تعاون و بانکهای کشاورزی نبودند که روستائیان ما را به اسارت سرمایه‌داری وابسته درآوردند. مردم ما خوب می‌دانند که سرشت این بوروکراسی از تبار امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته است. مردم مادرعین حال خوب میدانند که مبارزه با این بوروکراسی، معنایش از بین بردن و محو آن نیست، بلکه معنایش تغییر در ترکیب و بافت آن و دگرگونی در ارتباط آن با مردم است.

مردم ما خوب میدانند که تعویض چند مسئول بی‌لیاقت و تغییر آرملها و کاغذها، هرچند که لازم است ولی درد اصلی را دوا نمی‌کند. مردم ما خوب می‌دانند که روشی که فعلا مسئولین برای مبارزه با بوروکراسی در پیش گرفته‌اند خود یک روش بوروکراتیک بوده و در نهایت ثمری جز تقویت هرچه بیشتر آن در شکل فعلی منتها با ظاهری آراسته‌تر نخواهد داشت.

انقلاب ایران بدستهای توانای زحمتکش میهن توانست قدرت سیاسی را از چنگ نوکران امپریالیسم بدر آورد و یک حکومت ملی را به جای یک حکومت وابسته بنشانند.

باید در این اهرمهای حاکمیت که بوروکراسی دولتی یکی از آنهاست تغییر و دگرگونی ماهوی بوجود آورد. این تغییر و دگرگونی مستلزم اینست که نظام اداری خود را بصورت ابزار حاکمیت ملی درآورد. نظام اداری باید به وسیله‌های در خدمت اعمال حاکمیت ملی در تمامی زمینه‌ها، اقتصاد، سیاست، فرهنگ تبدیل شود و این کار آسانی نیست، کاری نیست که تنها با تعویض سر برگ و سر در انجام گیرد.

پس حل مسئله بوروکراسی، در نهایت، در گرو اینست که اقتصاد ما از حاکمیت امپریالیسم نجات یابد و اقتصاد ملی بر کشور حکمرانی کند. وضع سیاسی کشور سامان یابد و هر چه و مرج کنونی جایش را به نظم انقلابی بدهد. چراکه دستگاهها و موسسات اداری، بعنوان نهادهای روبنایی جامعه نمیتوانند دچار تحول کیفی شوند تا وقتی که این تحولشان پاسخی به ضرورتهای زیر بنایی جامعه نباشد.

بنا بر این مبارزه با بوروکراسی بطور عمده منوط به تغییر محتوی یک نظام است.

با توجه به این جنبه اساسی مسئله البته تغییرات صوری مهم و غیرمهمی نیز باید صورت گیرد و از آنجمله است پاکسازی افراد و تغییر آرم‌ها و غیره. در درغیر این صورت یعنی بدون توجه اساسی به تغییر محتوی نظام بوروکراتیک و مناسبات آن با مردم، کار اساسی صورت نخواهد گرفت.

روش فعلی که مسئولین برای مبارزه با بوروکراسی در پیش گرفته‌اند خود یک روش بوروکراتیک و اداری است و از نقشه و برنامه‌های اصولی و همه جانبه و ادامه دار برخوردار نیست.

اما تغییر نظام اداری بدون برنامه‌های معین و مدون و حساب شده عملی نخواهد شد و پس از مدتی هیاهو بجز آنکه بر هر چه و مرج موجود افزوده گردد ثمری از آن عاید نمی‌شود.

مسئولین امر اگر صادقانه در صدد انجام این مهم هستند گذشته از ایجاد تغییراتی در ظاهر ادارات باید در پی تنظیم برنامه‌های اصولی در این زمینه باشند و با قاطعیت با اجرای آن همت گمارند.

در این زمینه نکاتی اساسی را در برنامه کنونی حزب رنجبران ایران ارائه نموده‌ایم که در شماره‌های آینده به تشریح مسائل مختلف آن خواهیم پرداخت.

زرگر نماینده شهریار به تصویب رسید قبل از رسمیت یافتن مجلس چند نفر از نمایندگان در مورد مسائل مختلف صحبت کردند که از جمله سخن رانی آقای منوچهر منگی نماینده کرد کوی و بندر ترکمن در مورد

بابه تصمیمات اخیر دولت در خرید گندم برخوردار کرده و افزود که مقامات مسئول کشاورزی در خرید محصول گندم تا خیر کرده و پس از آنکه کلیه سلف خران و تجار گندم

اعتراضات چندتن از نمایندگان مواجه گردید و پس از دفاع بسیار منطقی و صادقانه آقای حسین جانی و همچنین دفاع حجت الاسلام خلخالی از وی و رد اتهامات وارده با

درباره انشعابات روسی و مواضع متحد نیروهای مردمی در برابر آن

باند کیانوری از روشن شدن دست اربابان خود به وحشت افتاده است!

روسی نامه "مردم" ارگان دارو دسته کیانوری در حزب توده در شماره روز دوشنبه ۹ تیرماه خود برای چندمین بار ثابت کرده که همسرانه های گروهی و نیروهای استقلال طلب یا "مافوقینها" هم نظر وهم موضع می‌شوند و یکطرف قرار می‌گیرند. و درودسته کیانوری و مشتئی جوجه

مزدور و امانده تراز خودش چون باند گشتگر - نگهدار و باند بلوریان منفرد و منفور در طرف دیگر. این بار اعتراض باند کیانوری به اینست که چرا مقاله تحلیلی روزنامه کیهان (سهشنبه ۳ تیرماه) درباره انشعاب در سازمان چریکیها که در رادیو نیز دوبار خوانده شد، انشعاب را نتیجه

سیاست روسیه و مزدورانش میدانند. روسی نامه که اکنون ارگان دفاع از باند گشتگر - نگهدار (سر دسته جناح معروف به "اکثریت" سازمان چریکیها) و باند بلوریان نیز شده است و میخواهد به زور به بخشهایی از حاکمین بقبولاند که این تغییر موضع



بنام یوری جورباتف در ماه قوریه گذشته بعنوان فرماندار افغانستان از طرف شوروی منصوب شد. بنابه نوشته این هفته‌نامه، برژنف در سایه انتخاب دامادش خیلی بیش از آنکه مخالف مداخله در افغانستان باشد، چنانکه در محافل غربی آمده بود، کنترل کلیه رویداد های افغانستان را در دست داشت. این مجله معروف نوشته است:

شهر ۴۴ ساله دختر برژنف رئیس بخش جاسوسی شوروی در ایران و پاکستان و ترکیه بود و در هر سه کشور وظایف ضد جاسوسی ضد امریکایی را بعهده داشت.

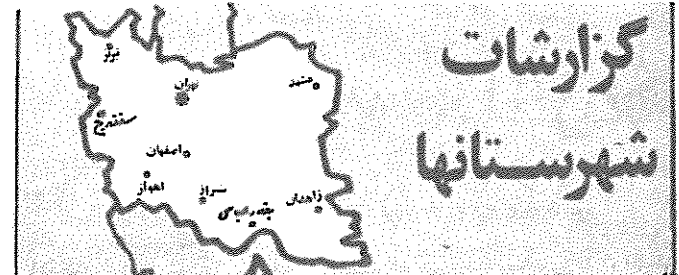
این مجله افزوده است: جورباتف یک ژنرال و معاون وزارت کشور و فرمانده شبه نظامی است.

نقل از روزنامه اطلاعات دوشنبه ۹ تیر -

نامه يك استوار ارتش به رنجبر مردم کرد را سر کوب نکنید بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز ایران من و خانواده‌ام که یک فرد مستضعف در سنج و کردستان هستیم پیامی دارم که به شرح زیر به استحضار همگان تقدیم و از عموم ملت مسلمان و مبارز ایران خصوصا از پیشگاه رهبر عالیقدر و ریاست جمهوری استدعا دارم که به عواقب وخیم سنج و کردستان توجه و ملتی را از ناراحتی و

اعتراض پزشکان به اعدام دکتر نریمپسا در صفحه ۶



حمله اوباشان به دفتر حزب رنجبران ایران در شیراز

شیراز- در ساعت ۲۱/۱۵ شب ۵۹/۴/۸ عده‌ای حدود ۲۰ نفر مجهز به چاقو، زنجیر، چاق ویبی سیم با سازماندهی قبلی به دفتر رنجبر در شیراز حمله برده و بطور وحشیانه به تخریب پرداخته و پس از وارد آوردن خسارات بسیار مقابله رفقای ما و آمدن همسایه‌ها پا بفرار گذاشتند.

جریان دقیق واقعه از این قرار بود که در ساعت ۹/۱۵ زنگ دفتر را به صدا در می‌آوردند. با مراجعه رفقای ما و هنگامیکه رفقای ما می‌خواهند در را باز کنند، آنها با دسته کلیدی که قبلاً تهیه کرده بودند در را باز کرده و سپس با خشونت شخص بازکننده در را به عقب پرتاب کرده و با رسیدن دو رفیق دیگر ایجاد محیط رعب و وحشت دست‌نبرد می‌زینند و سپس سر گروه آنها فوراً با بی سیم با بیرون تماس گرفته و پیامی را به بیرون داد. یکی از آنها تلفن را قطع کرد، بقیه اطاقهای دیگر را و گمدها را بهم ریخته و نشریات را پاره پاره می‌کنند.

در یکی از اطاقها، شعارهای استقلال طلبانه و ضد دو ابرقدرت و عکس شهدای انقلاب را تکه پاره می‌کنند.

در اطاق دیگری وسائل گرانقیمت از قبیل ماشین تحریر، دوربین خبرنگاری و یک ضبط صوت گاست و مقادری وسائل کار را برداشته و در اطاق دیگری پس از بهم ریختن آن با مقابله و اعتراض رفقای ما و آمدن همسایه‌ها شکستن و باقی گذاشتن بعضی وسائلی که می‌خواستند سرعت کنند پا بفرار گذاشتند.

از جمله چیزهایی که برداشته شدند پول فروش رنجبر پودهایست، افرادی که به دفتر حمله کردند، مورد شناسایی رفقای ما قرار گرفته‌اند. آنها قبلاً چندین بار بار رفقای روزنامه فروش و کتابفروش ما درگیر شده و برای آنها مزاحمت‌های زیادی ایجاد کرده بودند. یکبار بدنبال یکی از حملات که طرفین به سپاه پاسداران برده می‌شوند، پاسداران ضاربین و مهاجمین را فوراً رها کردند.

در حالیکه تمام مسئولین امور عملیات این اوباشان و چماق بدستان را محکوم می‌کنند، چگونه است که این گونه فسادها هم چنان ادامه می‌یابد. براساس تحقیقات انجام شده و برخوردهای قبلی ما بخوبی می‌دانیم اینها چه کسانی هستند، از چه منبعی تغذیه می‌شوند و دستور می‌گیرند، مسأله میدانیم از کجا و با قصد حمله به دفتر ما با ماشین بیگان استیشن آجری به شماره ۵۶۴۸۲ شیراز حرکت کردند و ...

روشن است که اگر مقامات مسئول خواهان برچیدن این مراکز خودکامه هستند می‌توانند با تکیه به چنین اطلاعاتی قاطعانه عمل کنند. در شرایطی که دشمنان انقلاب در پی به هرج و مرج کشیدن بیشتر مملکت و از هم گسیختن شیرازه‌های امور هستند پایان دادن به چنین فسادها ضروریست.

اجتماع روستائیان مقابل دادگستری آمل

بابل - ۵۹/۴/۹ در تاریخ ۹ تیرماه تعدادی از کشاورزان روستای اسکندره از توابع محمودآباد مازندران در مقابل دادگستری آمل اجتماع کردند. در مصاحبه‌ای که با آنان انجام گرفت آقای فریدون جعفرزاده، میرآب روستا درباره علت اجتماع روستائیان گفت، من را اکثریت روستائیان مسئول تقسیم آب روستا کرده‌اند. که آب را عادلانه بین روستائیان تقسیم نمایم. ولی ۴ نفر مانع تقسیم عادلانه آب شده و من را مقرب نمودند و اگر روستائیان به کمک من

بقیه از صفحه ۱ "مردم کرد را"

فلاکت نجات بخشید - با اینکه قبل از انقلاب شکوهمند ایران ما ملت دور افتاده مملکت که در محدودیت‌های فراوانی قرار گرفته بودیم از جمله مسلمانان اصیل و ایرانی بوده‌ایم که سالهای سال مرز نشین و ازو جوب به وجوب خاک و ملت ایران دفاع کرده و در جلو یورشهای عراق جان و مال خود را سیر نموده تا که ایران عزیز - دستخوش بیگانگان نشود و حتی در این راه کشته و زخمی و خرابیها بر ما تحمیل شده که در وقایع جنگی ثبت شده است، و این اتفاقات یکبار و یا دوبار نبوده بلکه از قرن‌ها پیش سابقه داشته است و رژیم سابق آریامهری و اویسی و دولت‌های وقت هم بجای اینکه وسیله دلخوشی ما ملت ستد دیده را فراهم نمایند، بیشتر در تنگنای ذلت و عدم تسهیلات زندگی قرار میدادند. زیرا وقایع جنگی ارتش شاهنشاهی نشان میدهد که این ملت بوسیله شاه بختی‌ها، اویسی‌ها، و ملامصفی و غیره... چه قتل و عامی شدند و حتی نام آنها موجود است - زیرا حکومت ۵۰ ساله آریامهری باعث نابودی ما بود چه بسا اینکه بازرسان در زمان انقلاب هم به این شهرستان و استان آمدند و دیدند که الحمدالله نه کارخانه و نه آب و نه آسفالت و نه تلفن و نه ما به محتاج زندگی اصلاً وجود ندارد و در خفقان همیشگی هم قرار گرفته بودیم و در سیاه چالها به روی همه باز بود تا که بخواست خداوند زمان انقلاب فرا رسید و آنرا جدی تلقی نموده و بخاطر سرنوشتی رژیم فاشیستی از بزرگ و کوچک و بزرگ و جوان و خیابانها حمله‌ور شده و با دادن کشته‌ها و زخمی‌های فراوان آریامهری‌ها را نابود و انقلاب شکل گرفت و اما ما تصور کردیم که از آزادی برخوردار میشویم و گفتیم که مقام آزادی در منشاء اسلام محمدی به رهبری زعیم عالیقدر یک زندگی و آرامش بهتری نصیب ما میشود ولی متأسفانه شکنجه‌های بدتر از آریامهری در مغز فرد فرد ماها و حتی در اسکلت خانه و گاشانه ما فرو می‌کنند. زیرا امام معظم هنگامیکه از فرانسه عازم حرکت به سرزمین خود می‌شد، قول خودمختاری و آزادی کردستان را بزبان آوردند ولی اخلال گران به نحوه دیگری موضوع را برای امام امت وانمود کردند در صورتیکه شعار ما این است که می‌گوئیم: چو ایران نباشد تن من مباد، بدین بوم و بوم زنده یک تن من مباد!

و اما به هدیه‌هایی که شامل

من و خانواده‌ام و همچنین تمامی ملت کردستان رسیده توجه فرمائید:

۱- مدت ۲ سال است گلوه‌های رژیم سابق را بوسیله هواپیما و هلی‌کوپتر و تانک و نفرات ارتش و پاسداران به قلب ما و خانه‌های مربوط فرو می‌ریزند که بیمارستانهای تهران و سایر شهرستانها نمایانگر آن است و با بوسیله دیوار صوتی و خمپاره‌ها و ضربه‌های گلی وارد نموده و خانواده‌های نیست که در سندنج خسارات جانی و مالی بر آن وارد نشده باشد و حتی پاسداران و ارتش در سندنج بوسیله پیام به یکدیگر ابلاغ می‌کردند که ما باید کردستان را نابود کنیم.

۲- آیا اکنون که مدت ۲ سال هست تمام نیروهای مملکت و هواپیماها و حتی هلی‌کوپترها و غیره... که هزینه صرف میکنند به سندنج اعزام میدارند و هزینه فوق‌العاده هنگفتی به آنان داده می‌شود که ما ملت ستم دیده را از بین ببرند. مگر از ابتدای ازبین رفته نبوده‌ایم، چرا باید وسایل دفاعی ملت را که باید برای دشمنان خارجی بکار برد از بین ببرند و قلب خود ما بزنند.

و حال که به این مصیبت دچار شده‌ایم، مجازات‌های دیگر را از اعمال شاقه بدتر است بر این ملت تحمیل شد. اکنون مدت دو ماه است معلوم نیست بدستور چه کسی در سندنج حکومت نظامی برقرار است و پاسداران محلی بنام پیش مرگه مسلمان بخانه اشخاص رفته و عده‌های بی‌گناه را چون به برادران و خواهران زخمی خود کمک نموده‌اند بنام کمک ضد انقلاب دستگیر و اعدام و یا شکنجه غیر انسانی میدهند. زیرا وقتی تمام نیروهای ایران در سندنج مشغول قتل و کشتار هستند کسانی که زخمی و یا جنازه را از خانه و یا معابر خارج میکنند باید بنام ضد انقلاب اعدام شود.

آیا اسلام گفته است که تمام دبیران و آموزگاران اخراج شوند و فرزندان ما از تحصیل عقب بمانند؟ در خانمه با توجه به عرایض معروضه بالا استدعا دارم مقامات مسئول مملکتی و ملت شریف ایران ترتیبی اتخاذ نمایند که این جنگ برادرکنی و اختلاف را ریشه کن نمایند و در صورت تصویب امام امت و ریاست جمهوری فرمان عفو عمومی صادر فرمایند تا جوانان که قبلاً پیش قدم انقلاب بوده و اکنون در کوه‌ها بسر می‌برند بخانه و زندگی خود باز گردند.

برقرار باد جمهوری اسلامی
به رهبری امام خمینی
نابود باد دشمنان ایران

هواداران باند کیانوری رسوا شدند

نامه يك دانش آموز

سلام به حزب، حزب رنجبران ایران، افتخار خلق ایران

من یک دانش آموز و از هواداران حزب هستم، که بنام هواداران حزب رنجبران ایران - میانه در شهرمان بگاز و فعالیت مشغولیم و حتم داشته باشید که همواره شاگرد شایسته و وفادار به اصول مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما تو باقی خواهیم ماند و در آنچه که ستاد و پیشقراول پرولتاریای ایران در امر رسیدن بدان کوشا است، یاریش خواهیم داد تا که بهتر توانسته باشیم دینی را که بخلق و توده‌های زحمتکش داریم بجای آوریم.

روز پنجشنبه ۵۹/۳/۸ که از مدرسه‌ام به خانه باز می‌گشتم، شخصی مرا از پشت صدا زد و گفت: آمریکایی! از لحن برخوردش دریافتیم هیچکس چنین تهمتی را به یک استقلال طلب نخواهد زد جز آنکه ریگی در کنش داشته باشد و یا توده‌های وفدایی، اینچور جانوری آینده معتقدیم و بخاطر پیروزی انقلاب سینه سیر پذیرای هرگونه افترا و حمله هستیم. امپریالیسمی با یک چنین نوکرانش که بخواهد مسأله مارکسیست‌های واقعی را از راه باز بدارد، از مادر زاده نشده است. دوستان! امپریالیستها به ما استقلال و آزادی هدیه نمی‌کنند، ما استقلال و آزادی را با مبارزه‌های سخت علیه آنان کسب می‌کنیم.

پس از آنکه توده‌های را خوب حالگیری کردیم من راهم را پیش گرفتم و جمعیت که تا آن موقع دور و بر ما جمع شده بودند پراکنده شدند. در راه با خود می‌گفتم: حزب ما از درون شعله‌های آتش مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا متولد شد. اگر حزبمان بر علیه سوسیال - امپریالیسم لیسان روس موضع قاطعی را ارائه داده‌است دلش در مبارزه‌های نهفته که در گذشته بر علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم آمریکا کرده است و در این مبارزه ماهیت امپریالیسم را در هر شکل و شمایل بخوبی شناخته است. حزب توده نباید بتواند بر روی خاک ایران انقیاد طلبی را تبلیغ

جنش را با شکست مواجه می‌سازد. و یک نفر بجای من در پاسخ گفت، آنکسی که خط امامه، نوکری بیگانه را نمی‌کشد اینها که از بیگانه طرفداری نکرده‌اند ولی همه ما میدانیم که شما وابسته به شوروی هستید. منم گفتم خط امام و امت چه ب فهمی چه نفهمی جدا از ابرقدرت‌های شرق غرب است نه مثل شما توده‌های ما جدا از غرب و پیوسته به شرق. یک نفر از دوستانم گفت تو چطور خود را پیرو خط امام جا می‌زنی در حالی که خود امام دو روز پیش خود گفت: هر دو ابرقدرت (آمریکا و شوروی) می‌خواهند ما را ببلعند؟ گفتم توده‌های چشم و گوشت را باز کن که خط امام به پیشه و ایران افغان نمی‌ش.

در این میان اشخاصی که دور و بر ما جمع شده بودند حرف‌های من را تصدیق نموده و توده‌های محکوم می‌کردند. بنا بر این باز پیش از پیش بدرستی خطی که در پیش گرفته بودم پی می‌برد و از طرفی چون مردم را با خود داشتم بی مهاباتر به حرف‌هایم ادامه می‌دادم. گفتم: ما از افترا های این مزدوران هیچ باکی نداریم و از حملات نامی‌هراسیم. ما به آینده معتقدیم و بخاطر پیروزی انقلاب سینه سیر پذیرای هرگونه افترا و حمله هستیم. امپریالیسمی با یک چنین نوکرانش که بخواهد مسأله مارکسیست‌های واقعی را از راه باز بدارد، از مادر زاده نشده است. دوستان! امپریالیستها به ما استقلال و آزادی هدیه نمی‌کنند، ما استقلال و آزادی را با مبارزه‌های سخت علیه آنان کسب می‌کنیم.

دزاینجا تمامی روستائیان میگفتند ما از مقامات مسئول میخواهیم کسانیکه در روستاها باعث اذیت و آزار روستائیان و اخلاص در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

بقیه از صفحه ۱ "با ندکیا نوری"

بخشی از سازمان چریکها و حزب دمکرات کلک نیست، مثبت است و باید به استقبالش بروید، در مقاله‌های تحت عنوان "چه کسانیا از گرایش های سالم نیروهای سیاسی به وحشت افتاده اند؟" بیشتر بر این مسئله تاکید می‌کند که مقاله کیهان به مقالات "رنجبر" شباهت دارد. اما روستاها از اصل قضیه یعنی ماهیت انشعاب فرار می‌کند و با نقل جملاتی از قبیل "رهبری سازمان چریکها در جنگ افروزی های اخیر کردستان، ترکمن صحرا و... مستقیماً دخالت داشت" و یا "رهبری سازمان چریکها... که روحانیت و حکومت را مرتجع و وابسته به امپریالیسم آمریکا معرفی می‌کند" و غیره از مقاله کیهان و "رنجبر" ثابت می‌کند که مقاله کیهان مثل مقالات "رنجبر" است، به این امید که نویسندگان و نیروهای استقلال طلب را که یادگار واقعیات به حقیقت می‌رسند، معروب کند که گویا مواضع آنها نباید مشابه مواضع حزب رنجبران ایران باشد.

اما شباهت مواضع نیروهای استقلال طلب افراد و شخصیت‌های ملی، مذهبی و کمونیست در مورد انشعاب در سازمان چریکها و حزب دمکرات و ارتباط آن با سیاست های روسیه بیش از اینهاست که روستاها نشان داده و عمدتاً شباهت در ماهیت و اصل مسئله است نه در شکل جملات و عباراتی که از بدیهیات سخنان می‌گویند.

اصل مسئله اینست که انشعاب در نیروهای خط‌گرایش به شرق و موضع گیری تاکتیکی و ظاهری بخشی از آنها در باصلاح حمایت از انقلاب و جمهوری اسلامی "در تبعیت از سیاست روسیه است که در شرایط کنونی علاوه بر اخلاص و توطئه از زیر می‌خواهد نیروهای وابسته به خود را در ایران تحکیم کند و آنها با استفاده از شرایط قانونی بتوانند فعالیت نموده و در دستگاههای دولتی نفوذ کنند. این یک توطئه و حقه‌بازی است که هدفهای خائنانه‌ای را دنبال می‌کند، نه یک تغییر موضع اصولی. ما در "رنجبر" به تفصیل درباره علل انشعاب و خطرات ابرقدرت روسیه و مزدورانش

در ایران سخن گفتیم. اما آیا این فقط حزب رنجبران است نه چنین نیست. بسیاری از نیروهای سیاسی و شخصیت‌های استقلال طلب دیگر نیز چنین گفته‌اند. حتی رهبر انقلاب امام خمینی نیز در یکی از سخنرانی های اخیر خود بر این واقعیت تاکید ورزیده است.

امام خمینی در ملاقات با نمایندگان شوراهای اسلامی کارگران در روز چهارشنبه ۴ تیرماه از جمله با اشاره به "فدایی و... و توطئه‌ها و اخلاص‌گرایها در کردستان و از آغاز پیروزی انقلاب چنین می‌گویند: "اینهایی که جمهوری اسلامی را تحریم کرده‌اند حالا آمده‌اند طرف دار جمهوری اسلامی شده‌اند... این طرفداری نیست این یک حقه بازی است بصورت طرفداری". آیا همین مفهوم نیست که مزدوران روسیه را ناراحت کرده‌است؟ چرا چنین است.

درباره علل و ماهیت انشعابات اخیر، نیروهای سیاسی و نشریات مختلف مطالب متعددی نوشته‌اند. آنها چه می‌گویند؟ به چند نمونه بطور مختصر اشاره می‌کنیم:

روزنامه جمهوری اسلامی (دوشنبه ۲۶ خرداد) در مقدمه‌ای که بر اعلامیه‌های دو جناح سازمان چریکها نوشته اشاره میکند که این انشعاب "علل برون مرزی" هم دارد و مینویسد که اینها هم از آنجانشانی می‌شود که این نیروها انگایشان بسر بیگانه است و در درجه اول به روس نام "مردم" اشاره می‌کند و می‌گوید که باید آنها "ارگان حزب کمونیست شوروی نامید". سپس روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله روز بعد سه‌شنبه ۲۷ خرداد در توضیح خط "ارتباط با شرق" از سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان در کنار حزب توده نام می‌برد.

روزنامه جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۳ تیر در قسمت حاشیه‌نویس انشعاب در حزب دمکرات را "سخره و تاکتیکی" می‌نامد و اعلام می‌کند که آنها خواهند فهمید که خوشترقصی برای بیگانه نتیجه‌اش چیست.

روزنامه انقلاب اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در کار آنها میشوند، بمحاکمه و مجازات برسانند و امنیت روستاها را تامین کنند. ضمناً روستائیان این روستا با کمبود آب روبرو هستند.

"نماینده بندرا نزلی ..."

اختلاف ۴ رای مخالف ردگردید و از نماینده مردم انزلی سبب صلاحیت شد.

آقایان هادی، دیالمه، رجایی، حجت‌الاسلام معادیخواه و دکتر موسی زرگس، بعنوان مخالف اتهاماتی از جمله "ایجاد جو وحشت و ارباب در انتخابات" و "مخالفت با دولت موقت شورای انقلاب" و "اعتراض مخالفین" (!!) و غیره را مطرح کردند که به آنها جواب داده شد و اعتبارنامه برای گیری و نتیجه ۷۸ رای مخالف و ۷۴ رای موافق و ۴۶ رای ممتنع از ۱۹۸ نماینده حاضر در جلسه ردگردید. بدین ترتیب در حقیقت کمتر از نصف و نزدیک به یک سوم نمایندگان با اعتبارنامه آقای حسینجانی رای مخالف دادند.

این گونه شیوه‌های انحصار طلبانه که با اعمال نفوذ و ایجاد جو متشنج و ابهامات متعدد نسبت به نمایندگان در میان نمایندگان دیگر مجلس شورایراکه باید تبدیل به یک ارگان یکپارچه‌ای بر علیه دشمنان اصلی انقلاب باشد به صفکشی مخالفین و موافقین میکشاند. چنانچه از اتهامات وارد و دفاعیات مدافعین برمیاید، محتوی اتهامات روشن نبوده و بیشتر به کشمکش‌های پارلمان‌تاریستی غرب شباهت دارد. بنظر ما، مسایل درونی مجلس به عنوان آئینه مردم ایران باید برای هگان روشن شود و جوابیام و تشنجی را که تاکنون ایجاد شده‌است باید از بین برود.

این شباهت موضع اولین بار نیست که اتفاق افتاده است. قبلاً هم بارها شاهد این امر بوده‌ایم که بر سر مسایل مهم ملی و بین‌المللی نیروهای استقلال طلب چه مذهبی، چه ملی و چه سوسیالیست‌های انقلابی در یک‌طرف و مزدوران وابسته به دوا بر قدرت منفرد و منفعل در طرف دیگر قرار گرفتند. مگر در مورد هجوم روسیه به افغانستان شاهد همین صف بندی نبودیم؟ مگر همان موقع و هنوز هم باند مزدور کيانوری ناله سر نمی‌دهد که چرا جمهوری اسلامی ایران، نیروها و شخصیت‌های ملی و مذهبی و حزب رنجبران ایران و... در مورد افغانستان مواضع شبيه بهم می‌گیرند؟

بنابر این مسئله اینست که در موضوع استقلال، ماهیت تحلیلی و مواضع حزب رنجبران ایران و همه نیروهای مردمی استقلال طلب وضد امپریالیست یکی است، زیرا همه استقلال طلبان از نقطه واحدی حرکت میکنند و آن با فشاری بر روی حفظ استقلال در برابر دوا بر قدرت و کلیه نیروهای سلطه‌گر بیگانه است و ما بوجود این نقطه نظرهای مشترک افتخار می‌کنیم، چرا که خود بیان‌گام برداشتن ما در راستای حق و حقیقت و منافع ملت و میهن‌مان است.

بنابر این مسئله اینست که در موضوع استقلال، ماهیت تحلیلی و مواضع حزب رنجبران ایران و همه نیروهای مردمی استقلال طلب وضد امپریالیست یکی است، زیرا همه استقلال طلبان از نقطه واحدی حرکت میکنند و آن با فشاری بر روی حفظ استقلال در برابر دوا بر قدرت و کلیه نیروهای سلطه‌گر بیگانه است و ما بوجود این نقطه نظرهای مشترک افتخار می‌کنیم، چرا که خود بیان‌گام برداشتن ما در راستای حق و حقیقت و منافع ملت و میهن‌مان است.

بنابر این مسئله اینست که در موضوع استقلال، ماهیت تحلیلی و مواضع حزب رنجبران ایران و همه نیروهای مردمی استقلال طلب وضد امپریالیست یکی است، زیرا همه استقلال طلبان از نقطه واحدی حرکت میکنند و آن با فشاری بر روی حفظ استقلال در برابر دوا بر قدرت و کلیه نیروهای سلطه‌گر بیگانه است و ما بوجود این نقطه نظرهای مشترک افتخار می‌کنیم، چرا که خود بیان‌گام برداشتن ما در راستای حق و حقیقت و منافع ملت و میهن‌مان است.

بنابر این مسئله اینست که در موضوع استقلال، ماهیت تحلیلی و مواضع حزب رنجبران ایران و همه نیروهای مردمی استقلال طلب وضد امپریالیست یکی است، زیرا همه استقلال طلبان از نقطه واحدی حرکت میکنند و آن با فشاری بر روی حفظ استقلال در برابر دوا بر قدرت و کلیه نیروهای سلطه‌گر بیگانه است و ما بوجود این نقطه نظرهای مشترک افتخار می‌کنیم، چرا که خود بیان‌گام برداشتن ما در راستای حق و حقیقت و منافع ملت و میهن‌مان است.

بنابر این مسئله اینست که در موضوع استقلال، ماهیت تحلیلی و مواضع حزب رنجبران ایران و همه نیروهای مردمی استقلال طلب وضد امپریالیست یکی است، زیرا همه استقلال طلبان از نقطه واحدی حرکت میکنند و آن با فشاری بر روی حفظ استقلال در برابر دوا بر قدرت و کلیه نیروهای سلطه‌گر بیگانه است و ما بوجود این نقطه نظرهای مشترک افتخار می‌کنیم، چرا که خود بیان‌گام برداشتن ما در راستای حق و حقیقت و منافع ملت و میهن‌مان است.

دلایل عدم وابستگی ما به برژنف و امثال آن به ماهر آمریکایی می‌زنند تا ما سرسختان ضد دوا بر قدرت آمریکا و روسیه را بین شما مردم منفرد سازند اما اینان کور خوانده‌اند.

بقیه از صفحه ۱ "تبلیغات رادیوهای ..."

مقامات آمریکا به انجام اینگونه اقدامات علیه ایران هشیار کننده است. مردم میهن ما بخوبی میدانند که انقلاب ایران چه ضربه مرگباری به امپریالیسم آمریکا زده‌است و به خوبی می‌دانند که امپریالیست‌های یانکی و نوکران جیره‌خوارش منافی را که از دست داده‌اند فراموش نخواهند کرد و برای به‌جنگ آوردن حداقل بخشی از منافع از دست رفته و بازگرداندن اوضاع به عقب به تلاش و تدارک پرداخته‌اند.

اما چه عواملی آمریکا و نوکرانش را به بازگشت اوضاع امیدوار ساخته و چه زمینه‌هایی است که خوراک تبلیغاتی را برای آنها می‌پدید سازد؟ چرا که می‌دانیم رادیوهای معلوم الحالی چون همین "صدای ایران آزاد" و همچنین رادیو بغداد و "رادیوی ایران" متعلق به شاهپور بختیار، شتوندگان زیادی در داخل ایران پیدا کرده‌است.

باید اذعان نمود که انقلاب در ادامه خود دچار مشکلات است. بخصوص مدتی‌است که حاکمین در حل مشکلات و مسایل مردم ناتوانی و عجز شدیدی از خود بروز داده‌اند و خواست ناراضی از اوضاع علیرغم عشق و علاقه شدید مردم به انقلاب اوج می‌گیرد. در چنین اوضاعی جناح‌ها و اشخاص بسیاری از حاکمین سرگرم قدرت طلبی‌ها و منافع قشری خود هستند. از جمله موارد باید بخصوص به وضع رادیو و تلویزیون بعد از انقلاب تاکنون اشاره نمود. بی‌توجهی به خواست و احساسات مردم و انحصار طلبی‌های گروهی، سیاسی حتی در انعکاس اخبار در این جزء مهم رسانه گروهی کشور بیش از همه به چشم‌وگوش مردم آزار رسانده‌است. مردم آنچه

بقیه از صفحه ۱
"مجلس با یدقیمت"

بقیه از صفحه ۱
"مجلس با یدقیمت"

بقیه از صفحه ۱
"مجلس با یدقیمت"

در راس این حزب بود... سوسیال امپریالیسم روس است پس: مرگ بر امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس. مرگ بر هر نوع وابستگی به بیگانه.

را که میخواهند بدانند، بشنوند و ببینند، نمیتوانند در رسانه‌های گروهی خودمان بیابند حتی بسیاری از واقعیات و حقایق را. لذا روز به روز بر تعداد شنوندگان رادیوهای خارجی افزوده میشود. در این اوضاع بلیشو، ناراضی‌های مردم و بی‌توجهی مسئولین، "صدای ایران آزاد" هم شنونده پیدا می‌کند و آنها با سوء استفاده از ناراضی‌های مردم در زمینه مشکلات زندگی خود و مسایل میهن‌تفسیر و خط سیاسی خود را بخورد مردم می‌دهند تا آنجا که خود را ناجی اوضاع نابسامان کشور جا می‌زنند و حداقل آنکه شنوندگان خود را روز به روز مایوس تر و بدبین تر میکنند.

درست است که باید با تبلیغات امپریالیستی مقابله و مبارزه کرد، ماهیت آنها و اهداف شوم آنها را افشاء نمود اما این کافی نیست. موضوع مهمتر اینست که انقلاب باید راه صحیح ادامه خود را بیابد و مسائل و مشکلات مردم را یک به یک حل نماید. دولت جمهوری اسلامی ایران و حاکمین باید در خط پاسخ گویی به اصول استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باشند. تا خوراک تبلیغات و سوء استفاده امپریالیست قطع شود. مردم باید بوضوح ببینند که خواست آنها مورد توجه قرار می‌گیرد و بی‌برند که امپریالیست‌ها و رادیوهای آنها دروغ می‌گویند. مردم باید صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را در مسیری ببینند که به نیازهای آنان پاسخ می‌گوید تا دیگر نیازی به شنیدن رادیوهای توطئه‌گر پیدا نکنند. تنها در چنین صورتی ما می‌توانیم توطئه‌های امپریالیستی و تبلیغات شوم و زهر آکین رادیو بختیار و رادیو اویسی را خنثی کنیم.

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آرامه شماره ۱۷
آگهی پستی: تهران - صندوق پستی ۴۱۶-۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آرامه شماره ۱۷
آگهی پستی: تهران - صندوق پستی ۴۱۶-۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آرامه شماره ۱۷
آگهی پستی: تهران - صندوق پستی ۴۱۶-۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱

رنجبر
ارگان حزب رنجبران ایران
صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
مدیر مسئول: علی حجت

تقسیم اراضی در شهرک خلخالی (حومه شوش):

يك پير وزی برای کشاورزان

باز نمود امام خمینی که به دهقانان بسیاری که آذوقه بکارند اهالی شهرک خلخالی در تاریخ ۵۹/۳/۸ در مسجد شهرک گردهم آمدند و تحت هدایت جمعی از جوانان مسلمان مبارز و متعهد، شورایی مرکب از ۵ نفر از افراد مورد اعتماد، تشکیل دادند. در این گرد هم آیی نقش شورا، اهمیت و وظایف آن توضیح داده شد. شورا خود را موظف دانست که بروستائیان تهیدست یعنی کشاورزان فقیر، جوانان بیکار و کارگران تهیدست عادلانه زمین تقسیم کند و در

حمایت مالی از آنها بکوشد. شورا خود را موظف دانست که برای گرفتن وام کشاورزی برای آنها از دولت دست و پا کند تا مبادا در اثر ضعف مالی سرانجام زمینهای قشر فقیر کشاورز بطرفی بچنگ دهقانان مرفه و ربا خواران بیفتد. بالاخره شورا خود را موظف دانست که از هرگونه مجالس عیش و فساد در شهرک جلوگیری کرده و نظم انقلابی و اسلامی را در آنجا برقرار نماید. پس از تشکیل شورا، فرمانداری در فول و بخشداری شوش موجودیت آنها برسمیت شناختند. بالاخره شورا

دست به تقسیم اراضی بین دهقانان برای کشت تابستانه مانند گندم، لوبیا و ماش، زد. آشنایی مختصر با تاریخچه شهرک خلخالی: شهرک خلخالی در حدود ۲۲۰۰ نفر جمعیت دارد و جزء حومه شوش است. این شهرک از سه روستای سابق بنام سگوند هرووشی، عمیره و قسمتی از چچالی غلام خان تشکیل شده است. مردم شهرک همه لر و از طایفه سگوند هستند. مردمی خون گرم و شجاعند و همواره روحیه ای مقاوم در برابر خانی و زورمندان

داشته اند. در دوره رژیم سابق، طرح "اصلاحات ارضی" شاه مخلوع در این روستاها با کمک مفتیان و جیره خواران رژیم پیاده شد که چیزی جز فقر و فاقه بیارنیان بود. بالاخره عده ای از این کشاورزان از هستی ساقط شده، جذب شرکتی کانال کشی و طرح آبیاری در شدند. (بنفیکام - ارمف - سابیر). در آن سیاست های کشاورزی انقیاد طلبانه و ضد دهقانی رژیم منفسور سابق که عوارض آن مرتباً گریبانگیر کشاورزان این روستاها میشد، سرانجام در سال ۱۳۴۷ شرکتی غاصب کشت و صنعت، از این خانه خرابی و فقر بیش از حد روستائیان بهره برداری ضد دهقانی دیگری میکنند، زمینها و خانه های روستائیان را میگیرند و سازمان آب و برق هم بعنوان یک ارگان دولتی و همدست شرکتی غاصب، فقط خانوارهای صاحب نسق را، آنهم درازاء مبالغ هنگفتی و با گلی جارو و جنجال و منت گذاری در دستگاههای منازل شهرکی اسکان میدهد. بدنبال انقلاب اسلامی شرکتی فوق الذکر بمصادره دولت درمیآیند. اما هنوز هم خبری از تقسیم اراضی عصب شده بین کشاورزان نبود، جز آنکه قسمتی از زمینها بتوسط دولت هکتاری ۸۰۰۰ ریال فروخته میشوند. اقلیتی از روستائیان که قادر به پرداخت چنین مبلغ کلانی بودند، توانستند زمینی بهم برزند. اما اکثریت روستائیان بواسطه نداشتن قدرت مالی لازم، همچنان از زمین بی نصیب ماند. تا بالاخره کشاورزان غیور این ناحیه به ترتیبی که در فوق گذشت، خود بپا خاستند و مسئله تقسیم زمین را متکی بخود و باموقفیت بانجام رساندند. ارگانهای دولتی یعنی فرمانداری در فول و بخشداری شوش که تا این لحظه شدیداً از تقسیم اراضی طرفه میرفتند، در مقابل این اقدام جسورانه کشاورزان تحت رهبری انقلابی امام خمینی، سرتسلیم فرود آوردند.

باشد که این جنبش انقلابی - ارضی دهقانان شهرک خلخالی درسی باشد برای انحصار طلبان و طاغوت صفات پشت میز نشین که وقتی بی اعتنائست به خواستهای بحق کشاورزان باشند، کشاورزان با تحنه و فتنه، با کتا، نگمداند،

ملاکان ضد انقلابی گریه را آنشزد و بده داخل مزارع را میگیرند

دشت مغان - فئودالیهای ضد انقلاب در "دشت مغان" برای ایجاد هرج و مرج و ناراضی در بین دهقانان اقدام به سوزاندن مزارع گندم مینمایند. این فئودالیهای ضد خلق گریه ای را گرفته و بس از آلوده کردن بدن حیوان به نفت، آنرا آتش زده و به داخل مزارع برت می کنند. گریه، مشتعل و متحرک، تا جان دارد میدود و

اخبار کوتاه دهقانی:

اعتراض به قیمت خرید پیاز

شیراز - چند تن از نمایندگان روستاهای "بالاخره" از توابع شهرستان کازرون در استانداری فارس تجمع کردند. آنها خواستار کوتاه شدن دست واسطه های خرید پیاز هستند. این پیاز ها قبلاً "توسط تعاونی ها و ادارات بازرگانی خریداری میشد و حتی اجازه صدور پیاز به خارج هم داده شده بود. این نمایندگان حدود یک ماه پیش نامه ای به وزارت کشاورزی برای خرید پیاز بقیمت عادلانه نوشته بودند. هر کیلو پیاز برای کشاورزان بیش از ۶ ریال تمام میشود ولی دولت حتی حاضر نیست ۶ ریال را هم بپردازد. قیمت عادلانه بنظر کشاورزان کیلویی ۱۲ - ۱۰ ریال است.

درگیری بر سر آب

قائم شهر - روستاهای "کیود کلا" (از توابع قائم شهر) و "درون کلا" (از توابع بابل) شاهد درگیری های خونباری بر سر آب بوده اند. کشاورزان که کشت خود را در معرض خطر بی آبی می بینند، آب بیشتری از چشمه و یا رودخانه گرفته اند که باعث اعتراض کشاورزان دیگر شده است و در نتیجه زدو خوردی رخ میدهد که باعث زخمی شدن ۱۷ نفر از اهالی "کیود کلا" میشود که هم اکنون در بیمارستان بستری هستند. این درگیری با دخالت سپاه پاسداران و ژاندارمری پایان یافت.

اخبار کوتاه کارگری:

تحصن کارگران هواپیمائی ملی

در پی کاهش هزینه مسکن کارگران و کارمندان هواپیمائی ملی ایران آنها متحصن شده و تهدید به اعتصاب کرده اند. هزینه مسکن آنها از ۲۰۰ تومان (برای کارگران) تا ۳۰۰ تومان (برای کارمندان) کاهش یافته است.

باز در کارخانه ساکا

پس از آنکه کارگران ساکا برای آزادی نماینده شان متحصن شدند، کارفرما در کارخانه را بسته و با افراد مسلح به تیربار، از ورود کارگران مانعت کرده و با وجودیکه کارگران اعلام کرده بودند پس از بازگشت نماینده شان، برای جبران کاهش تولید، روزهای تعطیل را نیز کار خواهند کرد. کارفرما به اصطلاح تعطیلات تابستانی اعلام کرده است.

بدون مقرری باز نشسته میکنند

تهران - حکم بازنشستگی نزدیک به ۵۰ نفر از کارخانه چیت تهران صادر کردند. این کارگران هیچگونه تاء مینی برای ادامه زندگی پس از بازنشستگی ندارند. بسیاری از آنان با اینکه واقفاً "از کار افتاده اند ولی به بازنشستگی رضایت ندادند.

ملایری های تهران از رئیس جمهوری پشتیبانی میکنند

ملایری های مقیم مرکز ساکن میدان خراسان و خیابان خاوران که اکثر آنها به کارهای ساختمانی مشغولند، در طوماری حمایت خود را از رئیس جمهور اعلام داشته اند برخی از خواستهای آنها چنین است: * ادامه افشارگری و معرفی عواملی که علیه جمهوری اسلامی و رئیس جمهور منتخب مردم توطئه می کنند * معرفی و مجازات انحصار طلبان در درون نهادهای انقلابی بخصوص کسبه های معاصر.

نامه يك کارگر

بنیاد مستضعفین در «چیت ری» چه میکند؟

از در دفاع از کارگران وارد میشود و با کارفرما علیه کارگر تبنائی میکند

سلام بردوستان رنجبر، حامیان واقعی طبقه کارگر و ادامه دهندگان واقعی انقلاب ملت قهرمان برای کسب استقلال ایران عزیزمان. دوستان، مساله ای که مرا و امیدارد نامهای به شما بنویسم عملگردهای ضد انقلابی بنیاد مستضعفین است که بطور نمونه در "چیت ری" شاهد آن هستم و نیز از چند کارخانه دیگر شنیده ام. بنیاد مستضعفین در رابطه با مسائل و خواستهای به حق کارگران با ایجاد فضای تهمت و توهین کار رایج جاتی رسانده است که کارگران حاضرند کار فرماهای زالو صفت سابق را به کارخانه برگردانند چون اقلاً "آن موقع همه کارگران با هم بر علیه دشمنی مشخص مبارزه میکردند ولی حالا "بنیاد" با ایجاد دوستی بین کارگران و جمع کردن یک عده مددود خود فروخته و یا ساده دل آنها را بجان هم انداخته است. هرگز،

است دوباره براه بیفتند. تعطیلی واحدهای تولیدی و یا با ظرفیت کامل کار نکردن آنها باعث میشود که ما همچنان وابسته بمانیم. از هیئت مامور رسیدگی از طرف امام میخواهم که بطور نمونه در کارخانه چیت ری تحقیق بکنند و ببینند برنامه بنیاد در این کارخانه چیست؟ فروش بی رویه هر چیزی که قابل بفروش است آنها به قیمتانی کمتر از معمول، انداختن کارگران سالن های مختلف بجان هم، تهدید و ارعاب کارگران فعال که در این کارخانه استخوان خرد کرده اند بفتح کیست؟ من دست ابرقدرتها را در این قضیه می بینم. فقط ابرقدرتها هستند که می خواهند مردم از انقلاب رویگردان شوند، فقط آنها هستند که میخواهند واحدهای تولیدی بخواهند فقط آنها هستند که میخواهند هر روز به خیل بیگاران اضافه شود، فقط آنها هستند که سعی می کنند کارگران را تحنه و فتنه، با کتا، نگمداند، میدانیم مسئله بیکاری واقعا

archive.org

حرفی بزند جماعت تکفیر بر سرش فرود خواهد آمد. سیاد مستضعفین، در اکثر کارخانهها با ظاهر سازی، خود را طرفدار کارگر نشان داده و با این شعارها که "دیگر مکیدن خون شما پس است، این کارفرماها را باید از کارخانه بیرون کرد و خود شما با

فقط آنها هستند که... هیئت مأمور رسیدگی باید از کارگران نیز تحقیق کنند تا حقایق روشن شود و عوامل ناپایی را که در بنیاد مستضعفین نفوذ کرده اند، تصفیه کنند.

دردبرد هفتاد و نه مبارز و غیور شهید خلخالی حزب رنجبران ایران - دزفول ۵۹/۳/۲۱

مخالفت با تخریب آثار باستانی. حدود سیصد نفر با امضاء خود، خواسته های این کارگران را مورد حمایت قرار داده اند.

خارج در ماشین سازی تبریز

تبریز - در پی جلسای که در ماشین سازی تبریز برای تهیه طرح پیشنهادی قانون کار تشکیل شده بود، مسئولین کارخانه، ۶ نفر از کارگران را خارج کرده اند.

رحمتکشان به مسئولین اعتماد نمی کنند

شیراز - حدود ۲۰ نفر از زنان رحمتکشی شهرک سعدی برای درخواست آب لوله کشی به استانداری مراجعه کرده اند. آنها مجبورند لباسها و ظرفهایشان را در جوی آب سعدی که تنها جوی موجود است بشویند و این اصلاً بهداشتی نیست. ظاهراً بداند باسخ مساعد داده شده ولی آنها اعتمادی به قولهای مسئولین ندارند.

خواسته های کارگران آجر فشاری

شیراز - ۱۵۰ نفر از کارگران آجر فشاری (آریا، سعدی...) به اداره کار شیراز مراجعه کردند و خواسته های خود را بدین شکل مطرح کردند: حق اولاد - حق بیمه - افزایش دستمزد - حق مسکن. این کارگران کثرتانی بوده و در شرایط بسیار سختی کار می کنند.

سه هزار کارگر در معرض اخراج

مسجد سلیمان - بدنبال بی توجهی مسئولین نسبت به خواسته های بحق نمایندگان شورای شرکت پترولیوم، که در محل فرمانداری مسجد سلیمان، متحصن شده بودند، کارمندان نیز دست به تحصن زده اند. آنها بیش از سه ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. اعلام شده است که ۱۸۰۰ نفر از کارگران پترولیوم در خطر اخراجند. از طرف دیگر کارگران جوان اخراجی شهرداری نیز در این محل متحصن شده بودند زیرا که ۱۲۰۰ نفر از آنان نیز در خطر اخراجند. باین ترتیب، نزدیک به ۳۰۰۰ نفر از کارگران مسجد سلیمان اخراج خواهند شد. با توجه به اینکه هر کدام حداقل نان آورده نفر میباشند، این اخراجها به معنی افتادن حداقل ۳۰ هزار نفر به کام فقر و گرسنگی است.

راه تکمیل دستگاه خود را نبودن امکانات مادی ذکر می کند. او برای گرفتن کمک به جها دسازندگی بخش پژوهش های علمی تهران مراجعه کرده اما جواب قانع کننده ای دریافت نکرده است. او که دبیر هیئت ریاضی است می گوید: "فعلاً نه شغلی دارم و نه جایی کار به من میدهند و منشل خیلی ها برای امرامعاش در تهران دست فروشی می کنم" او میگوید: "مسئولین امر اگر حتی به من وام بدهند می توانم طرح های خود را تکمیل کرده در خدمت مردم قرار دهم." مشکل دیگر "عیوض" است. او معتقد است: "برای تحصیل است. او معتقد است: "برای افزایش معلومات احتیاج به تحقیق دارم اما امکانات نیست." او در گفتگویی با خبرنگار "رنجبر" اظهار داشته که: "مسئولین می توانند با ایجاد مراکز آموزشی در شهرستانها استعداد های جوانان را پرورش بدهند نه اینکه در موقع مراجعه آنها را دل سرد کنند."

"عیوض صالحی" از اهالی روستای "گوندوغدی" است که در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی "میانه" قرار گرفته است. "عیوض" یک دستگاه "وچین کن" درست کرده است که می تواند در صورت تکمیل شدن روزانه یک هکتار زمین را وچین کاری کند. او برای موتور این دستگاه از موتور موتور سیکلت استفاده کرده است. "عیوض" می گوید که با اضافه کردن دستگاه "یونجه دروکن" به این دستگاه کار بیشتر و موثرتری می توان انجام داد. او طرحهای دیگری هم دارد که آنها را به صورت فرمول به روی کاغذ آورده است. از جمله دستگاه "علف خردکن" برای دامداری است که می تواند جای "علف خرد کن" دستی را که هر لحظه جان دامداران را تهدید کرده و باعث نقص عضو میشود، بگیرد. در ضمن دستگاه را می توان با قیمت ارزان در اختیار دامداران قرارداد داد. "عیوض" بزرگترین مانع در

روستای «گوندوغدی»

(میانه)

عیوض صالحی:

«برای تکمیل

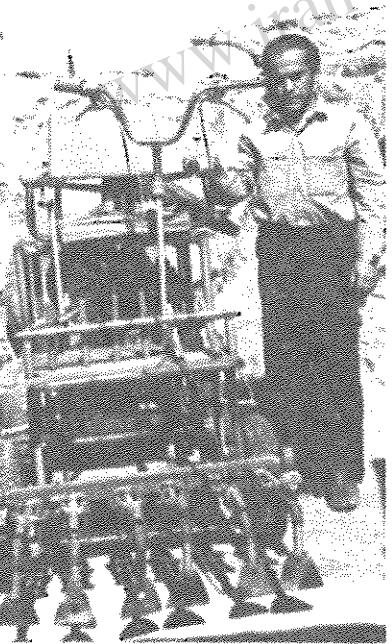
طرح خود

احتیاج به

تحقیق دارم

اما

امکانات نیست»



چه کسی باعث شد جواد زجاجی خود را آتش بزند؟

شریفی یکی از اعضای هیئت اماناء کارگران را اخراج میکند

شمار بر علیه این انقلاب بدهند ولی همه میدانند که این انقلاب را کارگر کرده و بدست کارگر هم جلو میبرد. رنجبر - در حال حاضر خواست کارگران اخراجی شاه چراغ چیست؟ و مختصری هم در باره سوابق شریفی بگوئید. استاد علمدار - "خواسته های ما عبارتند از: ۱- مقامات مسئول و متعهد به کار هیئت اماناء شاه چراغ رسیدگی کنند و انتقام خون این کارگر شهید را بگیرند (حاکمه شریفی و مجازات او).

۲- ما به سر کار خود برگردیم و خانواده شهید زجاجی تامین شود. ۳- هیئت اماناء مطابق با قوانین اداره کار، بیمه، حق مسکن، اولاد، و خواربار ماراتمین کند. کارهای شریفی عبارتند از: اول آستان بوسی خاندان کتیف پهلوی و قسم به کارگران درستیانی از رژیم منقور شاه، دوم حیف و میل و دزدی از بیت المال.

در پایان گفتگو، آقای استاد علمدار عزیز در باره جگونی پیشبرد مبارزه بر علیه امپریالیسم امریکا و شوروی و مبارزه علیه استعمار گفت: اگر به کارگر برسند این انقلاب پیش میبرد و اگر به کارگر نرسند این انقلاب هیچوقت پیش نمیرود. یک پایه این مملکت کارگر است. اصل کارگر بود که طاغوت را شکست داد. حالا هم همینطور است، منتهی به کارگر قول دادند ولی به قولشان وفات نکردند همین کارگرها هستند که لب مرز باسدارند، بجز کارگر چه کسی میاید؟ تاجر که نمیاید!

اینجا حاضر کنید تا من با آنها صحبت کنم، یا خودم را آنشمیزم. ولی کسی بحرفهای او محلی نگذاشت. استاد علمدار در ادامه صحبتهایش درباره وضع کارگران این محل گفت: "ما ۵ تا ۶ کارگر سنگتراش، نجار، بنا و کاشیکار و آجر تراش بودیم. شریفی (یکی از اعضای هیئت اماناء) که از بیت المال شاه چراغ برده و غارت کرده است ما را شاهد زنده حیف و میل هاودزدی های خود میدید و به این دلیل بفر فکر بیرون کردن ما افتاد. او کف نمیتوانست همراه ما بیرون کند اول بناها و بعد سنگتراشها را بیرون کرد و سپس نجارها را اخراج نمود و در آخر آمد سراغ جواد زجاجی و باقی کاشیکارها و بعد هم میخواستند بیایند سر وقت آجر تراشها که این بسر (جواد زجاجی) خودش را کشت ما کارگرانی داریم که پس از ۱۵ - ۱۶ سال کار در شاه چراغ کور شده و در خانه افتاده است. ما سائل فرهادیان را همه میشناسند، در خیابان قانسی مغازه داشت و شریفی با کلک و حقه بازی او را وادار کرد تا مغازه اش را بفروشد و گفت اگر کارگر در شاه چراغ تمام شد شمارا به کارخانه شیمیایی میبرم. او هم مغازه اش را فروخت و حالا به یک وضع بدی زندگی میکند.

استاد علمدار در ادامه صحبتهایش از گرانی هزینه زندگی و کمبود مواد مورد احتیاج مردم گله فراوانی کرد و گفت: "یک سنگتراش میگفت که میخواهد بروم دم آستان - داری و خودش را آتش بزند، ولی ما دلداریش دادیم که درست میسود ولی درست نشد که نشد و حتی ما را هم از کار بیکار کردند. اینها هم ما میخواستند کاری بکنند که این کارگران از این انقلاب برگردند. و

خبرتاسف انگیز خود سوزی "جواد زجاجی" در شاه چراغ شیراز (رنجبر ۶۲)، آنچنان که باید و شاید آنکس نیافت و حتی در برخی از مطبوعات صرفاً میزان خسارت آورده! درج شد. در ادامه پیگیری نسبت به علل خود سوزی و اجحافات مسئولین به کارگران شاغل در این آستان، آقای "علمدار عزیز" یکی از رحمتکشانی که مدت ۱۰ سال در شاه چراغ به شغل نجاری مشغول بود به دفتر "رنجبر" در شیراز آمد و با خبرنگار رنجبر گفتگویی پیرامون این حادثه دلخراش انجام داد که در زیر به بخشهایی از آن اشاره میکنیم و امیدواریم مسئولین آستان با دقت کافی به ریشه یابی این حادثه و علل آن پرداخته و مسببین آنرا مجازات نمایند.

رنجبر - علت علت خود سوزی "جواد زجاجی" و وضع کار زندگی باقی کارگران چیست؟ استاد علمدار - واقعا که هیئت اماناء شاه چراغ (مخصوصاً شریفی) بی وجدانی کردند. یعنی آنکه کارگری چند سال کار میکند و آنها نه تنها حق وی را ایما می کنند بلکه طلبکار هم باشند و بگویند دفتر شاه چراغ را آتش زده است. جوانی ۳۲ ساله که دو تا بچه هم داشت، اخراج شده بود و بد هکار هم بود. او شب تولد حضرت علی از بعد از ظهر تا نیمه های شب به مسئولین دفتر آستان میگفت: "من بد هکارم، بدبختم، مرا سرکار بگذارید" و آنها جواب میدادند: به هیچ وجه نمیشود آنهایی که در موقع حادثه در دفتر بودند میگویند که او روی خودش بنزین ریخت و گفت یا هیئت اماناء را

رنجبران از زندگی ومحیط کار خود حرف می زنند

محله جوانمرد قصاب

کمال فاضلاب شهر تهران که از این محله می گذرد تنها «تفریحگاه» کودکان است

دیوار حیاط را با حلبی ساخته ایم، اطاق سقف ندارد، بچه و زنم مریض هستند و شب و روز باید تو حیاط بنشینیم

برق:



صغری خانم حشمتی کارگر کارخانه چیت سازی

برخی از خانهها توانستهاند برق بگیرند ولی با "پارتنی بازی" عدهای از خانهها که "آشنا" داشتند سیم کشی کردند و برق گرفتند و لسی تعداد زیادی از خانهها برق ندارند. به آنها کنتور نمی دهند.

درمانگاه: از درمانگاه خبری نیست. بیماران را، مجبورند تا "شاه عبد العظیم" ببرند.

حمام: برای رسیدن به حمام نیم ساعتی باید راه رفت. به این ترتیب وقتی برگشتی انگار نمانگار حمام رفتهای!

مغازه: در سرتاسر محل و نیز در بخش گستردهای از خیابان فدائیان اسلام خبری از هیچ مغازه ای نیست، نه نانوايي، نه خوار وبارفروشی، و نه هیچ چیز دیگر.

کارخانه ماکارونی سازی کار میکند. روزی ۸ ساعت کار با ۲۰ تومان دست مزد. چون حقوقش کم بوده به جیت سازی آمده و در آنجا مشغول بکار شده است. حالا پس از دو سال و خرده ای حدود روزی صد تومان حقوق می گیرد!

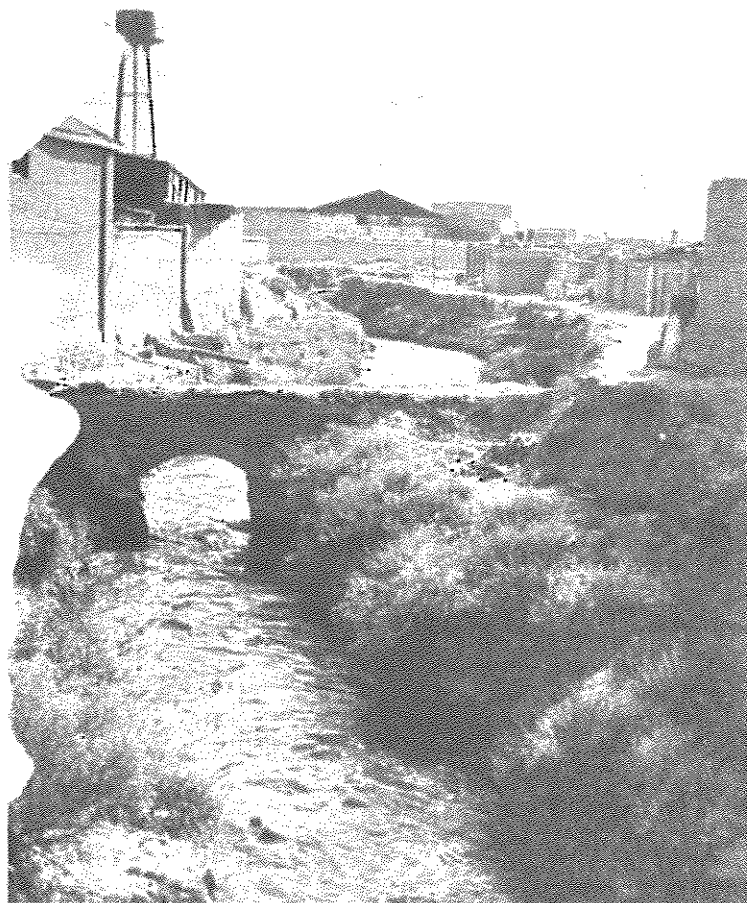
شرایط کار

در کارخانه شان ۲۵۰۰ نفر کار می کنند. بچه های ۱۲ ساله هم مشغولند. روزی ۸ ساعت در شیفت های مختلف کار میکنند. صغرا خانم در قسمت "اولین" است. در این قسمت ۲۰ نفر کارگر هستند و همه بافنده اند. از هشت ماه پیش، صغرا خانم مسئول چند ماشین شده و حقوقش بالا رفته و گرنه قبلا روزی ۳۰ تومان می گرفت. در این کارخانه پس از دو سال کار به کارگران حق اولاد تعلق می گیرد که فعلا صغرا خانم چیزی نگرفته. از نظر بیمه هم بدون توجه به تعداد فرزندان، فقط شخص کارگر با دوتا از فرزندانش بیمه می شوند، دوتا از فرزندان صغرا خانم که شانزده ساله دارند بیمه هستند.

کارگران این کارخانه توانسته اند طی مبارزاتشان ۵۰۰ تومان حق مسکن بگیرند. بتازگی دولت بخشنامه کرده که حق مسکن هیچ جا بیشتر از ۴۰۰ تومان نباید پرداخت شود ولی از آنجا که کارگران این کارخانه مبارزه خود را با هوشیاری به پیش بردند و ۵۰۰ تومان را بعنوان حق مسکن و خوار و بار گرفته اند، کارفرما نتوانسته آنرا کم کند.

نمیدهند برای صبحانه و نهار بروند. با وجود اینکه طبق "قانون" نیم ساعت برای نهار و نیم ساعت برای صبحانه وقت دارند. صغرا خانم از برخوردش با سرپرست تعریف میکند: "سرپرست مثل ما کارگر است ولی خودش میگوید یک درجه بالاتر است! ۶۰۰۰ تومان حقوق میگیرد ولی تخصص هم ندارد. فقط سابقه کاردار رسوادم ندارد. خودش کار نمیکند

سرپرست میگوید باید روزی ۸ ساعت کار کنی از ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر ۸ ساعت است، پس وقتی برای غذا خوردن نداری، چند مرتبه با او حرفم شده. آخرمگر این کارخانه کجاست؟ این مرتیکه چرا مارو اینطور اسیر پشت ماشین کرده. به ما میگه من خدای شما هستم! در کارخانه مزد را با معیارهای مختلفی میدهند یا کارمزدی یا روزمزدی. در قسمتهایی که کارمزدی است فشار نسبتا کمتر است. باین ترتیب که سر غذا، کارگر ماشین را می خواباند و می رود. قسمت ریسندگی اینطور نیست یعنی کار روزمزدی است به این جهت برای آنکه کارگر با حداکثر توانایی کار کند و قتهای استراحت (که معمولا نیم ساعت است) و نیز قتهای غذاخوری بسیار کوتاه میشود و حتی گاهی سرپرست آنها را حذف می کند. صغرا خانم در صحبتهايش به لزوم ایستادگی در مقابل ظلم اشاره می کند. او با خوشحالی میگوید: "حالا که چند دفعه جلوش ایستادم دیگر با من کمتر سروکله میزند."



تابحال دوتا بچه در این فاضلاب خفه شده اند.

پرسیدیم بعد از انقلاب وضعیت تغییر کرده؟ ابراهیم آقا گفت: "سه سال است که اینجا هستم. فقط ۱۵-۲۰ روز است که کار پیدا کردم. قبلا بنای می کردم. یک روز کار بود، یک روز نبود. حالا البته روحیه مان بهتر شده، راحت شدیم ولی دستمان خالی است. هنوز هیچی نگرفتیم. نه پول - نه پوشاک نه چیزی. ولی اگر انقلاب نشده بود نمی توانستیم اینجا بمانیم."

از صغرا خانم می پرسیم ماهی ۳۰۰۰ تومان برای او کافی است؟ فیش حقوقش را می آورد و میگوید: "آنها! این حقوق من است! هر چه هست کفاف نمیدهد. دامادش میگوید: "اول هر برج قرض میکند. همینطور قرض اندر قرض. از این میگیره باون می ده. مثلا خودم ۱۲ هزار تومان قرض دارم. حقوقم هم که معلوم نیست. شاید ماهی ۲۵۰۰ تومان بگیرم. صغرا

یا «تفریحگاه» کودکان

از خیابان فدائیان اسلام پایین می‌رویم. درست میان دو کارخانه جیت ری وممتاز، کوچه‌ای است خاکی داخل می‌شویم و تنها پیش می‌رویم. در انتهای کوچه سمت چپ یک محله است بنام جوان مرد قصاب، آنرا بنام منطقه نام گذاری کرده‌اند. ولی اهالی باتوجه به تاریخچه شکل گیری محله بدان نام باسماوی دیگری داده‌اند: "توتوما" توتوما!

از میان کوچه بوی تند می‌آید. فاضلاب تهران از اینجا می‌گذرد. کانال فاضلاب با بستری عمیق و گشاد هرچه کثافت که فکرش را بکشد در آنجا پیدا می‌شود. فاضلاب تهران است و درعین حال "تفریحگاه" کودکان محله، جندی پیش دوکودک در آن خفه شدند، تفریحگاه یا قربانگاه رنجبرزادگان. آب کانال منبع بیماری و کثافت است و بچه‌ها را می‌بینی که در کنار این گودی تفریح و بازی می‌کنند.

محله

محروم از همه امکانات

در این محل ۱۵۰ خانوار زندگی میکنند. هر یک بطور متوسط شامل (۶-۷) نفر. ساکنین از ملیت‌های مختلف ترک، کرد و... هستند زمینهای این محل متعلق به یکی از "شاهپور"ها بوده است. بعد از انقلاب مردم آنرا ساخته‌اند، نه به آسانی بلکه با سختی فراوان. باآجر دانه‌ای یک تومن و بنای روزی ۳۵۰ تومن. با گرانی بیش از اندازه در و پنجره و...

آنها که وضع بهتری داشتند دیواری به دور حیاط محقرشان کشیده اند و بقیه حتی نتوانسته‌اند سقعی برای خانه‌شان بزنند!

آب لوله کشی:

از آب لوله کشی خبری نیست. جندی پیش عده‌ای از اهالی دورهم جمع شدند و با مبارزه زیاد نتوانستند دو فشاری از شهرداری بگیرند. ولی این متعلق به همه افراد محله نیست تنها عده‌ای از آنها با پرداخت ماهی ۵۰ تومن اجازه استفاده از این فشاری را دارند.



گفتگو با زحمتکشان محله

در انتهای این محله به یکی از خانه‌ها سر می‌زنیم. صاحب خانه صفرا خانم حشمتی با روی گشاده از ما استقبال می‌کند. خانه‌اش ویران است. تنها توانسته یک اتاق کوچک برای خودش درست کند. دیوار محوطه با اصطلاح "حیات" از حلیبی است. خانه همجوار هم که خانه دخترش است در شرایطی بدتر از این است. سقف ندارد و فقط چهار تا ستون زده‌اند و رویش را بالحاف پوشانده‌اند.

وارد اتاق صفرا خانم می‌شویم بسیار محقر است. تمام اثاثیه‌اش خلاصه میشود در یک زیرانداز، یک کمد فکسی، یک رختخواب یک‌سماور، یک چراغ خوراک پزی و مقداری ظرف. می‌نشینیم و اهل خانه کم‌کم می‌آیند؛ دختر صفرا خانم، نوه، برادر و دامادش. پس از احوالپرسی و معرفی خودمان، با صفرا خانم به صحبت می‌نشینیم. و او از کار و زندگی‌اش می‌گوید.

اهلی یکی از دهات کرمانشاه است بنام نورآباد. در نوجوانی ازدواج کرده است. بعد از فوت پدر، سرپرستی خواهرش را هم برعهده می‌گیرد. پس از مدتی شوهرش پنهانی خواهر را عقد می‌کند و صفرا خانم با پنج بچه (سه دختر و دو پسر) از او طلاق می‌گیرد (حدود سه سال پیش). همه چیزش را سپرده و با بچه‌ها راهی شهر "ستقر" می‌شود. از آنجا به تهران می‌آید و حدود یک ماه در یک

ابراهیم آقا، داماد صفراخانم ۲۸ سال دارد نیز در این کارخانه کار میکند. او بتازگی مشغول شده و اطلاع دقیقی از حقوقش ندارد، صفرا خانم میگفت که مردها بیشتر از زنها حقوق می‌گیرند ولی نمیدانست چقدر. درحیث سازی درجه رطوبت هوا بسیار بالاست (۸۰ درجه). و این برای آستنه نخها پاره نشود. گرد و خاک هم فراوان است. باین ترتیب کارگران همواره گردوغبار نمناک نخ را تنفس میکنند. سروصدا بقدری زیاد است که کارگران برای حرف زدن با بغل دستی مجبورند داد بزنند. البته میشد محیط کار را بهداشتی‌تر کرد بطوریکه درجه رطوبت اینهمه بالا نیاید. ولی البته سود کارفرما کمتر خواهد شد. بنابراین از بهبود شرایط کار فعلا خبری نیست. کارگران از این شرایط جان سالم برای دوران بازنشستی بدرنمی‌برند. اغلب دچار سل، دیسک، رماتیسم، و واریس میشوند. البته اگر در حین کار دچار سانحه نشوند. وضع غذاخوری هم تا چند وقت پیش خیلی بد بود حالا به تازگی کف اتاق را موقت کرده‌اند. تمیزکردن آن باخود کارگران است. از غذا و حتی جای برای کارگران خبری نیست! آنها خودشان غذایشان را باید بیاورند. فقط ماهی ۱۲۰ تومن بابت صبحانه و نهار به آنها میدهند (حق غذا) یعنی روزی چهار تومن برای نهار و صبحانه!

فشار سرپرست بر کارگران شدید است. صفرا خانم با وجودیکه بارها با شجاعت جلوی سرپرست زورگو ایستادگی کرده، باز بسیار از او ناراحت بود. شرایطی که سرپرست تحمیل میکند غیرانسانی است. حتی برخی مواقع به کارگران اجازه

سندیکا خوب است اما ما نداریم!

داماد صفراخانم، ابراهیم آقا که تاحالا ساکت بود، گفت: "اگر من جای شما بودم اون رومیگشتم یا اینکه اون منومیگشتم. از او پرسیدیم "شکایت نمیکنید؟" گفت "نمیدانم کجا بروم". پرسیدیم "سندیکا ندارید؟" گفت "سندیکا چیست؟ منظورت رئیس است؟" برایش توضیح دادم که همه کارگران میتوانند و چاره‌ای هم ندارند جز اینکه دور بیستری در مقابل ظلم کارفرما مقاومت کنند و برای خواسته‌های رفاهی و سیاسی خودشان مبارزه کنند. او که به دقت گوش میداد در آخر فکری کرد و گفت: "خوبه ما که نداریم."

صفرا خانم و خانواده‌اش از گرانی ارزاق عمومی گله بسیار داشتند. درخانه، او و پسرش کار میکنند. پسرش میخ کوب چرم است. ایندو نفر به زحمت خرج خانه را در می‌آورند. اگر برای پسرش کاریدا شود میتواند روزی ۱۰۰ تومن کاسب باشد. ولی حالا که چرم نیست بیشتر از ۳۰ تومن درآمد ندارد. آنها هفته‌ای یک کیلو گوشت برای ۴ نفر جیره دارند. گوشت گوسفند را کیلویی ۱۸ تومن و گاو را کیلویی ۲۲ تومن می‌خرند، البته یخ زده. آنهم بتازگی اینطور شده، یعنی حدود ۲۰ روزی است که جیره بندی کرده‌اند. نان لواش را هم دانه‌ای یک تومن برایشان می‌آورند چون در محله نانوايي وجود ندارد.

۱۰ هزار تومانی که میدهند به آشناها میدهند. به ما گفتند یکسال دیگر وام میدهیم! اگر بولمان می‌رسید خانه را درست میکردیم که آبروریزی نباشد. خودت نگاه کن دیوار حیاطمان را با حلیبی ساخته‌ایم. تازه اتاق من سقف ندارد. بچمام وزن مریض هستند و شب و روز باید توی حیاط بنشینیم.

از آنها راجع به خانه و چگونگی ساختمان آن پرسیدیم. صفرا خانم گفت: "وقتی به تهران آمدم هیچکس را نداشتم. رفتم توی بیابان جادر زدم. از طرف کمیته آمدند و گفتند از جادر بلند شوم و به یک اتاقی که نیمه ساخته بود بروم. من گفتم این نیمه سازاست، معلوم است صاحب دارد، من نمی‌روم. کمیته گفت من بهت میگم برو. هرکی آمد بگو کمیته داده!

منم بول قرض گرم و آنجا را ساختم. بعد از ۸ ماه بگی آمد و گفت خانه مال من است، گفتم کمیته داده باهم رفتیم کمیته. ولی کمیته زد زیرش! باینکه من خودم اون آدم را توی کمیته میشناختم! بالاخره رفتیم دادسرا، رئیس دادگاه گفت خانه را میخواهند بفروشند یک سهم مال تو، دو سهم مال صاحبش! خانه را ۹ هزار تومان فروختند. سه روز هم مرا بازداشت کردند ولی آخر کار که ولم کردند کلانتری ۱۶ حاضر شد حتی یک کاغذ بهم بده که از حقوقم تو کارخانه کم نکنند. شش روز از حقوقم کم کردند. بالاخره دامادم گفت بیا به تیکه از زمین مرا بساز، منم این اتاق را درست کردم. فقط برای همین مخروبه ۱۰ هزار تومان خرج کردم. تازه نه آب دارد، نه برق، حیاط هم خراب است و دیوار ندارد. حالا هم‌ماش می‌برسم خرابش کنند! چون سند نداریم و وضعمان روشن نیست. یکبار هم پاسدارها آمدند گفتند چرا اینجا آمدید؟ گفتم چاره نداشتم.

پرسیدیم بنیاد مستضعفین چه کرده‌است؟ گفت: "هیچ!"

حرف، حرف آقااست

از جریانات انقلاب پرسیدیم:

گفت: "در تهران بودیم. در همه تظاهرات‌ها از اول تا آخرش شرکت کردیم. از قاضی‌هایمان هم در کرمانشاه شهید شدند. برادرم هم پایش را با سرنیزه جودادند، چند تا بخیه خورده.

راجح به امام خمینی پرسیدیم. همه می‌گفتند: "حرف، حرف آقااست. هرچی آقا بگوید قبول داریم. چون در ده از امام خمینی طرفداری میکردیم مارا اذیت میکردند. نمی‌دانم کی بودند. شاهی بودند یا چی بودند؟ منظرلمان را دور میکردند و سنگ می‌زدند.

در مورد کردستان صحبت کردیم. "کوچک علی حشمتی" با صفرا خانم که خیلی کم حرف بود گفت: "نظر ما اینه که فقط حرف قبول بکنند، ما هم قبول می‌کنیم." صفرا خانم گفت: "اسلام کردستان، سنج، کرمانشاه و تهران ندارد. همه مون باید یکی باشیم. همه مادر این مملکت زندگی میکنیم. حالا دیگر نباید بالا و پائین داشته باشیم. رژیم‌های سابق چند تیره داشتند. اما حالا نباید اینطوری باشد."

در تمام مدتی که صحبت میکردیم دختر صفرا خانم آرام گوش میکرد. حرفی نمی‌زد. او ۱۶ سال بیشتر نداشت دختر دوساله‌ای هم داشت مادر بزرگ چون سایه‌ای نرم بیصدا به اینطرف و آنطرف می‌خزید. وقتی صحبت از پسرش شد گریه کرد. اوهنگفت حالا تنهاهستم. پسرم دیگر خبری از من نمی‌گیرد. رفته دهات.

آینده متعلق به زحمتکشان است

آنچه که در بالا آمده، تصویری از زندگی و خواسته‌های زحمتکشان یک منطقه کوچک در تهران بزرگ است. زحمتکشان مسائل و مشکلات خاص خود را دارند. آنها شیدا در کارخانه و محیط کار خود مورد ستم هستند. در محل زندگی خود از ابتدائی‌ترین امکانات محروم می‌باشند. آنها راه حل‌های خود را هم دارند. در جامعه انقلابی امروز باید به مسائل و مشکلات زحمتکشان توجه شود. امکانات رفاهی و تسهیلات زندگی در اختیار آنان قرار گیرد و ظلم و ستمی که در محیط کار نسبت به آنها صورت می‌گیرد از بین برود. مردم مادر نتیجه این انقلاب بی برده‌اند که درسایه وحدت و همبستگی قادرند کوه مشکلات را از پیش پای خود بردارند. آینده از آن زحمتکشان است.

ویتنام در کامپوچیا تازانوبه گل نشسته است

حدود ۱۸ ماه از اشغال نظامی کامپوچیا توسط ارتش اشغالگر ویتنام که از پشتیبانی کامل نظامی - سیاسی و اقتصادی ابرقدرت روس برخوردار بود، میگذرد.

در ابتدا سردمداران خود فروخته و سرسپرده هانوی که ماشین جنگی خود را بعنوان پنجمین ارتش دنیا بر مردم میکشیدند به اربابان روسی خود قول میدادند که با داشتن چنین ارتشی و با برخورداری کمکهای همه جانبه پیمان ورشو قادرند دولت انقلابی کامپوچیایی دمکراتیک را سرنگون و مقاومت ارتش انقلابی و ملی این کشور را درهم شکسته و به بیروزی سریع دست یابند.

این دلالتان امیرالیسم چون مرتجعین و اشغالگران دیگر برای سن نظریه تکیه میکنند که عامل تعیین کننده در جنگ برتری ارتش و سلاح است نه ایمان قاطع خلقها برای استقلال و آزادی.

امیرالیسم آمریکا نیز با پیروی از همین نظریه گمان میکرد قادر است در پناه ارتش نیم میلیونی و تابندگان مسلح خود سه کشور هندوچین (ویتنام - لائوس - کامپوچیا) را بر سر سلطه خود بکشد.

اما اشغالگران ویتنامی اکنون پس از گذشت یک سال و نیم بطالست نظریه های ارتجاعی را زیر دندانهای خود مزه مزه میکنند. مجله رویدادهای اقتصادی خاور دور " چاپ هنگ کنگ " در شماره سیزده ژوئن خود گوشه ای از این واقعیات را بیان میکند.

با نزدیک شدن فصل بارندگی " مانسون " ارتش ۲۵۰ هزار نفری اشغالگر هانوی با مشکلات و مصائب زیادی روبرو میشود. اشغالگران ویتنامی مواجه با قطع راههای آذوقه و مهمات رسانی بویژه در غرب کشور توسط حملات غافلگیرانه و ناگهانی چریکهای دولت کامپوچیایی دمکراتیک خواهند بود.

علاوه بر مشکل آذوقه و مهمات رسانی عامل مهم دیگر روحیه و نظم در بین سربازان ویتنامی است. بی نظمی وعدم آمادگی رزمی و پائین بودن روحیه بویژه در بین سربازانیکه از بخش جنوبی ویتنام به ارتش آورده شده اند بیشتر است.

برخی از کارشناسان سیاسی عدم حمله ارتش ویتنام به مرزهای تایلند



حفظ نیروهای خود و تحکیم مواضع موجود نیروهای خود را سوسامان داده و از آرایش و آمادگی بهتری برخوردارند. بر اساس گزارش مطلعین نظامی در استراتژی جدید بجای درگیر کردن ارتش منظم و واحدهای بزرگ چریکی از واحدهای کوچک ۱۵ تا ۳۰ نفری استفاده میشود.

تعداد ویتنامی هائیکه از مرز تایلند گذشته اند نزدیک به سه هزار نفر تخمین زده میشود. بنظر میرسد که اکثر آنها را سربازان فراری ارتش تشکیل میدهند زیرا احتی آنها تیکه لباس شخصی بتن دارند سربازان بخش جنوب هستند که با موجب سربازی خود



رزمندگان تازه نفس و سازمان یافته دولت کامپوچیایی دمکراتیک در راه انجام مأموریت خود در جبهه جنگ.

اقدام به خرید لباس شخصی کرده و سپس از مرز کامپوچیا - تایلند عبور کرده و به تایلند پناهنده شده اند. تعداد فراریان ارتش که به تایلند پناهنده شده اند در یک حالت حتی به ۴۰ نفر در روز رسیده است، این در زمانی صورت گرفت که ارتش تجاوزکار ویتنام مواضع نیروهای انقلابی را در ارتفاعات " فنوم چات " و " فنوم میلا " مورد حمله قرار داد.

میزان تلفات ارتش که حاصل فرار، تلفات جنگی و ابتلا به مرض مالاریا است در بین بعضی از واحدهای ارتش در غرب کامپوچیا به ۲۵٪ وحتى ممکن است به ۵۰٪ برسد.

در مقابل نیروهای چریکی و ارتش ملی کامپوچیا پس از یک دوره نسبتاً غیرفعال با پیروی از سیاست

رویدادهای جهان



که بطور عمده به پل هوایی بین شهر هوسی مین و پنوم پنه تکیه کند. این بدان معنی است که ویتنامی ها باید ابتدا خطوط مواصلاتی و آذوقه رسانی خود را حفظ و سپس مناطق تحت نفوذ خود را تحکیم بخشند.

نه تنها شاهراهها و خطوط ارتباطی اشغالگران ویتنامی در معرض حملات چریک ها و ارتش ملی کامپوچیا قرار دارند بلکه شهرها نیز از این حملات مصون نمیشوند. اخیراً سفارت ویتنام در فنوم مورد حمله چریکها قرار گرفت و در این حمله سه نگهبان سفارت کشته شد.

در بیرون محل اقامت " هیئت نمایندگی روسیه " نیز اخیراً چند حادثه تیراندازی اتفاق افتاده است. و این خود دال به رخنه و نفوذ چریکهای دولت قانونی کامپوچیایی دمکراتیک به شهرها و حتی پایتخت میباشد. در رابطه با این سگت های متضاحانه است که در چند هفته اخیر سلطه گران منطقه ای ویتنام دست به تحریک مرزهای تایلند و تجاوز نظامی باین کشور زده اند. هدف از این تجاوز درهم کوبیدن اردوگاههای پناهندگان کامپوچی که در خاک تایلند و در مرز تایلند واقع شده اند و تهدید وزیر فشار گذاشتن دولت تایلند بخاطر بنه دادن آوارگان کامپوچی در خاک خود و پشتیبانی از دولت قانونی کامپوچیایی دمکراتیک است.

البته هدف نهایی سلطه گران منطقه ای که دقیقاً در خدمت سلطه گری جهانی کرملین میباشد تصرف تایلند و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا جهت کنترل و تصرف تنگه حیاتی " مالاکا " است. اشغالگران ویتنامی نیز بجای پای تجاوزکاران آمریکایی گذاشته اند و بدون شک سرنوشتی جز جنایتکاران آمریکایی نخواهند داشت.

امیرالیسم آمریکا به عیب می بنداشت تا با حمله به اردوگاه مبارزین ویتنامی در کامپوچ و سپس کودتای ۱۹۷۰ جنبش رهایی بخش ویتنام را سرکوب کند و چنانچه دیدیم شکست خود را با این عمل تسریع کرد. سردمداران سرسپرده خائن ویتنام نیز در صورت اشغال تایلند خود را در دریای جنگ خلق غرق خواهند کرد و به یقین پیروزی انقلابیون و میهن پرستان کامپوچی را بجلو خواهند انداخت.

رویدادهای اقتصادی

کاهش صادرات نفت، رنگ خطری برای ملت

تولیدات صنعتی و کشاورزی باید جایگزین صادرات نفت شود

صادرات نفت ایران که روزانه به نیم میلیون بشکه رسیده بود، اخیراً با امضای قراردادهای با ترکیه، هند، رومانی و اسپانیا قرار است به ۸۰۰ هزار تا یک میلیون بشکه افزایش یابد. ایران روزانه ۴۰۰ هزار بشکه مصرف داخلی نفت دارد. در زمان رژیم مزدور شاه ایران روزی ۶ میلیون بشکه نفت تولید میکرد. علت اصلی کاهش تولید و صادرات نفت، گذشته از سیاست عمومی دولت کمبود قطعات یدکی پالایشگاهها و تحریم اقتصادی است. قرار است با صدور روزانه ۱۵ هزار بشکه نفت خام به ترکیه و ۳۰۰ هزار بشکه به هند و رومانی صادرات نفت ایران افزایش قابل توجهی بنماید. در عین حال تحریم اقتصادی که تا حدودی از سوی کشورهای غربی اعمال میشود، تعمیر و باز سازی قسمتهای مختلف استخراج و تصفیه نفت را دچار اشکال نموده است. هرج و مرج و بی ثباتی داخلی هم مانع از این است که دولت بدنیال بازارهای جدید در جهان سوم برود تا بتواند به عوض چشم زدن به شوری، نیازهای ایران را از کشورهای جهان سوم تأمین کند.

اما کمبانی های نفتی غربی از راههای گوناگون شروع به خرید مخفیانه نفت ایران کرده اند و این نشان میدهد که جهان دوم در عمل موافق تحریم اقتصادی ایران نبوده و در برابر فشارهای آمریکا مقاومت میکند. راهی که ایران باید دنبال کند، بدون شک راه اتحاد با جهان سوم و تحکیم گسترش این اتحاد است. ایران باید در عین حال با استفاده از تضادهای درونی امپریالیستها، جهان دوم (اروپا و ژاپن) را جلب کرده و دوا بر قدرت را منفرد کند. در عین حال کاهش صادرات نفت و زیانهای ناشی از آن باید مارا هشیار کند که از اتکا به درآمد نفت دور شویم و تولید ملی مان را در تمامی زمینه های ممکن - از کشاورزی تا صنعت - رشد و گسترش دهیم.

قرارداد ۲۴ میلیون تومانی ماشین سازی اراک

قسمت طرح و توسعه ماشین سازی اراک و واگن سازی پارس در زمان شاه قراردادی با شرکت انگلیسی تامسون برای ساختن جرثقیل و واگن های راه آهن بسته بودند. قرار بود که عملیات طرح و توسعه این واحدها زیر نظر این شرکت و کارشناسان آن انجام پذیرد. این شرکت انگلیسی خود با یک شرکت اتریشی بنام (ای - جی - پی) برای اجرای این طرح قرارداد می بندد و خود تنها بعنوان واسطه مبالغ کلانی به جیب می زند. پس از تیرگی روابط ایران و آمریکا چون شرکت انگلیسی حاضر نبود به ایران بیاید و این اقدام عملاً به ایران وا تریش زیان میرساند، پس از مدت ها مذاکره و مکاتبه بین مقامات ایرانی با شرکتهای اتریشی، جندی پیش نماینده شرکت اتریشی به ایران آمد و این قرارداد مستقیماً " میان ایران و اتریش - به امضاء رسید " اعلام شد.



اجلاس وزیران کشور عضو سازمان وحدت آفریقا که درسی برالئون برگزار شد، به اتفاق آراء قطعنامه‌ای تجاوری رژیم نژادپرست پرتوریارا به آنگولا که برای سرکوب رژیمندگان سوآپو (سازمان خلق جنوب غربی آفریقا) انجام گرفت محکوم نمود.

سازمان وحدت آفریقا همچنین از شورای امنیت سازمان ملل متحد

درباره انشعاب چریکها

شباهت‌های هربرت مارکوس و «راه کارگر»

دوستان عزیز رنجبر سلام امیدوارم خسته نباشید، در مورد تحولات اخیر در سازمان چریکهای فدائی خلق چند نکته را می خواستم بازگو نمایم. در مقالات رنجبر بویژه در شماره‌های ۵۹ و ۶۰ در مورد سیر انحطاط سازمان چریکهای فدائی خلق که از مرز بندی با رویزیونیسم و خروشچی و خیانتکاری حزب توده و باگزینش مشی مسلحانه جدا از توده‌ها شروع و تا تسلیم شدن رهبری غاصب کنونی به سوسیال امپریالیسم روسیه پایان می گیرد، روشنگری خوبی انجام داده‌اید. اما در این مقالات نسبت به روشن کردن راه برای پایه‌های این سازمان که اکثریت آنان را دانشجویان و روشنفکران تشکیل می‌دهند کمتر سخن رفته‌است. بویژه بعد از مواضع اخیر رهبری غاصب سازمان چریکها که باعث منفعل و بیمار شدن اکثریت این جوانان صادق و پرشور شده‌است جا دارد که در این باره مقداری بحث شود.

آنچه که از اخبار در گوشه و کنار فهمیده می‌شود، حاکی از این است که بیشتر پایه‌های این سازمان موضعگیری اخیر رهبری را قبول نداشته و در پی پیدا کردن یک راه حل می‌باشند. در این میان جریان مرسوم به «راه کارگر» بقول معروف به خوردن پایه‌های منفعل و ناراضی چریکی پرداخته است. و این بدلیل آن است که راه کارگر جریان روشنفکرانه بود که در ظاهر اگر چه با دارودسته کیانوری و رویزیونیسم خط و خط کشی دارد ولی در عمل یکی از کالاهای دکان سوسیال امپریالیسم می‌باشد. راه کارگر و خط ۴ با سرهم کردن یکسری لغات قلمبه و سلمبه که مجموعه‌ای از

سوآپو (سازمان خلق جنوب غربی آفریقا) به عنوان تنها نماینده خلق نامیبیادار سازمان ملل شناخته شده است و بطلت همجواری نامیبیا با آنگولا، دارای پایگاههای چریکی در جنوب این کشور می باشد. هدف تجاوز هزاران سرباز آفریقای جنوبی به مرزهای آنگولا، ضربه وارد آوردن و سرکوب نیروهای چریکی سوآپو در آنگولا بود.

که دولت نظامی جدید گوی سفت را در دستگیری و زندانی کردن مخالفین خود از دیکتاتور مقتول پیشین "پارک چون هی" برنده است. بر طبق همین گزارش حداکثر شصت نفر در زندان حکومت "پارک" در زندانها بسر می بردند در حالیکه تنها ۷۰۰ نفر در سئول زندانی هستند و ۵۰۰ نفر دیگر نیز در شهر "کوانگ جو" در اسارت بسر می برند.

رنجبر و خوانندگان

عقاید انقلابی و بویژه سوسیالیسم انقلابی در بین توده‌های روشنگر و دانشجو، دست به تبلیغ و اشاعه آثار هربرت مارکوس و امثالهم زد. در آن زمان که حتی لغات نیز در کتابها سانسور میشد، کتابهای هربرت مارکوس چون "انسان تک ساحتی با جلدی اعلا و جایی خوب در دسترس روشنفکران قرار میگرفت. نگارنده سالها تحت تاثیر این جریان قرار داشتم، با خواندن دو کتاب از هربرت مارکوس که هیچ راه حل عملی در جلوی ما نمیکداشت، خود را اندیشمندی بزرگ مینداشتم که باید در خانه نشست و تاملات و تفکر کرد و در نهایت به حشیش و تریاک و هستی مشت خود را روی میز بکوبی و بگویی "آه چه ملکوتی!!" هم اکنون جریان راه کارگر نیز همان رسالت هربرت مارکوس را بعهده دارد ولی با مقداری تفاوت. با حرکت اخیر رهبری غاصب چریکها طرف سوسیال امپریالیسم روسیه از طرفی عناصر تشکیل دهنده "جبهه متحد روسی" شکل گرفته تر گردیده و از طرف دیگر ناشی از وجود چند مرکزینی و تفرقه در بین نیروهای استقلال طلب و تزلزل برخی از آنها در مقابل روسیه و عدم وجود یک برنامه و تشکیلات منظم برای پیاده کردن برنامه‌هایی در جهت رفع نابسامانی‌های موجود، زمینه برای انجام کودتای روسی هر روز مساعدتر میشود. از این جهت سوسیال امپریالیسم تحمل این را ندارد که تعداد زیادی نیروی بینابینی بطور فعال و سیاسی وجود داشته باشد، بویژه آنکه بر روی این نیروهای بینابینی چهار نظر ایدئولوژیک سیاسی و چهار نظر تشکیلاتی کنترلی نداشته باشد زیرا سوسیال امپریالیسم تجربه افغانستان را دارد و

موفق باشید
۵۹/۳/۵
امضا محفوظ

صرفاً به نظارت و هدایت در امور ساختن ساخت و تحویل مواد اولیه محدود شود. در ضمن این شرکت متعهد است که از میان ایرانیان کارشناسانی برای اداره این طرح تربیت نماید.

سودهای بادآورده انحصارات آمریکائی

جدولی را که ملاحظه می کنید میزان سود دریافتی ۲۴ کمپانی انحصارگر آمریکائی را تنها در اولین سه ماهه اول ۱۹۸۰، یعنی زمستان گذشته، نشان داده و میزان افزایش یا کاهش این مبلغ را در مقایسه با سود دریافتی در سه ماهه اول ۱۹۷۹ بیان میکنند.

در شرائطی که صدها میلیون تن از مردم سراسر جهان، از خلقهای ستمدیده جهان سوم گرفته، تا کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی هر روز شرائط زندگی برایشان سختتر میشود، عظیم ترین و غول پیکر ترین انحصارات امپریالیستی همچنان به افزایش سود خود، بقیمت فقر و خانه خرابی هر چه بیشتر ستمدیدگان عالم میپردازند. بی شک این وضع دوام چندانی نخواهد آورد و دیرینست که حرکتهای طوفان آسای خلقها، نظام امپریالیستی را به خاک و خون کشاند.

انحصارات، همچنین در میان خود نیز دستخوش تضادهای عمیقی هستند. در شرائطی که چند کمپانی نفتی، در حدود ۱۷ درصد به سودشان افزوده میشود، اکثریت انحصارات با تنزل مداوم نرخ سود مواجه اند. چیزی که ناهاهنگی درونی امپریالیسم را هر چه بیشتر بهم ریخته و بحرانی ذاتی اش را روشن خواهد کرد. امپریالیسم از درون و بیرون در حال جنگ است. از درون با خود و تضادهای درونیش و از بیرون با روند روبه اوج استقلال طلبی و آزادیخواهی محرومان جهان.

نام موسسه	سود دریافتی (میلیون دلار)	افزایش نسبت به ۷۹ درصد
استاندارد اویل (اوهایو)	۴۵۰/۷	+۱۷۰
اکسون	۱/۹۲۵	+۱۰۲
مریل لینچ	۲۵/۱	+۷۸
استاندارد اویل (ایندیانا)	۵۷۶	+۶۵
نگراس اینسترومنت	۵۰/۳	+۳۲
داو کیمیکال	۲۳۰/۵	+۳۱
یونایتد تکنولوژی	۹۲	+۳۰
آر. سی. آ.	۷۸/۷	+۲۷
یونیون پاسیفیک	۱۰۲	+۲۱
آبات لابراتوریز	۴۶/۲	+۲۰
جنرال الکتریک	۳۴۱/۵	+۱۳
الکو	۱۴۳/۵	+۱۲
گزروکس	۱۴۸/۴	+۸
بالک آمریکا	۱۳۴/۵	+۴
آی. بی. ام	۶۸۱/۵	+۲
دوبون	۲۴۴/۴	-۲
مک دانل دوگلاس	۴۲/۴	-۴
بی. اف. گودریچ	۲۰/۳	-۲۳
سیتی کورپ.	۸۳/۳	-۳۴
گریت وسترن فایننشال	۱۳/۵	-۴۱
اینتر نیشنال پیپر	۸۹	-۵۱
ریپابلیک استیل	۲۰/۶	-۵۲
ایسترن ایرلاینز	۳/۵	-۷۳
جنرال موتورز	۱۵۵	-۸۸

نادانی و بی برنامگی دولت مهمترین مشکل نساجی است

نساجی، یکی از قدیمیترین رشته‌های صنعتی در ایران است. سابقه آن به ۸۰ سال می‌رسد. بسیاری از کارخانه‌های نساجی کشور ما که هم اکنون نیز به کار و تولید مشغولند عمری نزدیک به ۴۰-۳۰ سال دارند. نزدیک به ۴۰٪ از کارگران صنعتی کشور در رشته‌های مختلف نساجی مشغول بکارند. حدود ۱۳ درصد از کل تولیدات صنعتی کشور را کارخانه‌های نساجی تشکیل می‌دهند.

باتوجه به سابقه طولانی صنعت نساجی در ایران و ویژگیهای گوناگون این صنعت که با شرایط کشور ماخوانایی دارد، توجه به بسط گسترش کمی و کیفی این رشته، اهمیت فراوانی در ساختمان صنعتی اقتصاد کشورمان دارد. ایران بدلیل فراوانی محصول پنبه و دارا بودن منابع سرشار نفت، نیروی کار فراوان، شنائی دیرینه با تکنولوژی نساجی و فقر بازارهای منطقه‌ای و حتی جهانی، در بسیاری از این موارد، زمینه‌های بسیار مساعدی برای گسترش صنعت نساجی دارد. اما، در شرایط کنونی، صنایع نساجی ما نیز همانند دیگر رشته‌های تولیدی دستخوش تلاطمهای قبل و بعد از انقلاب است. برای آشنایی با مسایل عینی کارخانه‌های نساجی، چندی پیش خبرنگار رنجبر با مهندس عبدالحسین بنگداریور، مدیر عامل کارخانجات چیت سازی بهشهر، که ۳۰٪ سهام آن متعلق بدولت است، گفتگویی انجام داده که قسمتهایی از آن را میخوانیم. این گفتگو صرفاً برای آشنایی با گوشه‌هایی از مسایل و مشکلات صنایع ایران انجام شده است.

رنجبر - با وجود اینکه ۱۶ ماه از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم میگذرد، هنوز بسیاری از رشته‌های اقتصادی کشور دستخوش آشفتگی است. بی شک صنایع نساجی نیز از این قاعده برکنار نیستند، شما که سالهاست دست اندرکار مسایل صنعت نساجی هستید، ممکن است برایمان از مهمترین مسایل که گریبانگیر این صنعت است صحبت کنید؟

مهندس بنگداریور - مهمترین مسئله‌های که سالهاست صنایع نساجی کشور ما با آن دست بگریبانند، مسئله نادانی و بی برنامگی دولتهاست. با وجود اینکه نزدیک به ۸۰ سال است صنایع نساجی در ایران فعالیت میکند، اما هیچ ادارهای و هیچ مرجعی در ایران پیدا نمیشود که اطلاعات درستی راجع به کم و کیف این صنایع داشته باشد. دولت اگر هم بخواهد برنامه‌ای برای صنایع نساجی تدوین کند، اولین و مهمترین مانع سر راهش اینست که اطلاعاتش راجع به این صنایع بسیار ناچیز و بیسپاس باشد. این البته در مورد بسیاری از صنایع صدق میکند، اما در مورد صنایع نساجی که یکی از مهمترین رشته‌های صنعتی کشور ما سابقاً طولانی است، این مشکل بشدت جلوه میکند.

مسئله دیگر مسئله نارسایی سیستم مالکیت است، که دولت جمهوری اسلامی هنوز هیچ طرحی برای آن نداد و خود را اسیر تئوری پردازیهایی رنگارنگ نموده است. این مسئله باعث جلوگیری از سرمایه گذاری، حذب و توسعه کارخانه‌ها، قطب مسئله است. در شرایط کنونی، صنایع نساجی ما با مشکلات فراوانی مواجه است. دولت هیچ طرحی و برنامه‌ای برای روشن نمودن وضع نیروی کار روابط و روابط حاکم ندارد. کارگردانان و مدیران سابق همیشه چرخ پنجم صنایع بوده و بشدت مورد ستم و استثمار واقع شده‌اند. اما هنوز هم دولت وقتی میخواهد به وضع کارگران برسد، اول میزان حقوقشان را اضافه میکند، که عملاً دیده‌ایم که ثمری جز بالارفتن هرچه بیشتر قیمتها ندارد. دولت باید در رفع ستم و وحشیانه از کارگران پیشقدم شود و با توجه به نیازهای اقتصادی و ملی کشور، مسئله نیروی کار را حل کند. جدولی که من بشما در مورد وضع کارخانه بهشهر ارائه میدهم گواه این وضع است، یعنی وضعی که سبب شده تا ۸۰٪ قیمت تمام شده کالا بابت دستمزد کارگر پرداخت شود.

رنجبر - رژیم وابسته شاه، بنابه خصلتش، سعی در تحکیم و گسترش وابستگی و تخریب و تضعیف بنیادهای تولید ملی داشت. در مورد صنایع نساجی هم، که یکی از مهمترین رشته‌های تولید داخلی کشور ما بود وضع چنین بود. رژیم شاه با سیاست درهای باز و تشویق بی رویه، امداد، اعزام، گتله‌ها، نظارت، تمام

انزوای ایران به سود آمریکا است

بین‌المللی است که آقای موحیدیان این شیوه را نیز قبول ندارد و می‌نویسد "سیاست خارجی انقلاب نباید از طریق گفت و شنودها، مذاکره‌ها، میزگردها و کنفرانس‌های در بسته و رفت و آمدهای پوچ و دیپلماتیک که نتیجه‌ای جز محدود کردن شیوه‌های انقلابی در بر ندارد و در گذشته شاهد آثار زاینبار آن برای انقلاب بوده‌ایم وارد صحنه شود. نویسنده با محدود کردن مبارزه فقط به شیوه انقلابی (که از نظر ایشان معلوم نیست، چیست) خواستار خلع سلاح ایران در مجامع و صحنه‌های بین‌المللی و جا خالی کردن در مقابل امپریالیسم است.

یک نگاه کوتاه به سیاست خارجی کشورمان در یکسال و نیم بعد از انقلاب و رشکستگی این شیوه‌ها و انقلابی نمایی‌ها را ثابت میکند. در ابتدای انقلاب با حرکت از این دید بود که به انزوا کشانده شدیم و فقط امپریالیستها توانستند با استفاده از غیبت ما در صحنه‌های بین‌المللی به لجن پراکنی علیه انقلاب و مبارزاتمان بپردازند و اعمال خود را محق جلوه دهند. تنها پس از تصحیح این سیاست نادرست بود که نتایج بسیار مثبتی در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی، جلب متحدین و پشتیبانان بیشتر بدست آوردیم. نمونه بسیار ساده این سیاست، برگزاری کنفرانسهای اسلامی و کنفرانس بررسی جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران بود، که بنظر آقای موحیدیان و همفکران او چیزی جز "نتایج پوچ" برای ما نداشته است!

روزنامه اطلاعات پنجشنبه (۵۹/۴/۵) مقاله‌ای تحت عنوان "انقلاب و سیاست خارجی ما" به قلم آقای موحیدیان چاپ کرده بود که آینه تمام نمای انقلابیگری کاذب در سیاست خارجی ما بود.

آقای موحیدیان در این مقاله نظر خود را راجع به سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران داشته و می‌نویسد: "مگر نه اینست که انقلاب از آغاز مطرود و مورد نفرت دنیای سلطه گر بوده است. ما اصالتاً انقلابی را زمانی درمی‌یابیم که در بین دولتهای قدرتمند و مستکبر مطرود و منزوی باشیم. و انقلابیون اصیل نیز سعی نخواهند کرد که انقلاب را از این انزوا بیرون بکشند."

چهره واقعی قذافی "انقلابی"

مستثنی و جدانیست و ما اگر می‌خواهیم از یک قدرت، یا ابر قدرت جدا بشویم، این معنا سقوط در دامان قدرتهای دیگر نیست و موضع قاطع انقلاب اسلامی ما این است و ما میل هستیم موضع شمارا صریحتر بدانیم و برادران و خواهرانتان در انتظار حمایت اسلامیتان هستند. پس از سخنان نمایندگان ایرانی، سرهنگ قذافی صحبت کرد. وی ضمن تشکر و گفتن خوشامد به هیئت ایرانی، به تعریف و پشتیبانی از انقلاب ایران پرداخته و به سیاستهای آمریکا در مورد ایران مناسبت به همان مدم لب

تمام شده محصولات و فرآورده‌ها را تکنولوژی و وسایل تولید وابسته تشکیل میدهد. در رشته الیاف مصنوعی این وابستگی به ۷۰ - ۶۰ درصد میرسد. برای قطع وابستگی، بناچار باید اولویت را به صنایع نساجی پنبه‌ای داد که وابستگی‌اش کمتر است.

امکانات ما برای محدود کردن و قطع وابستگی‌ها بسیار زیاد است. نیروی انسانی داریم، آموزش این رشته کار دشواری نیست. منابع مالی موجود است. تخصص و دانش هست. تجربه هست. مواد اولیه مانند پنبه هم هست. در بسیاری از کارخانه‌ها، ماشین آلات بسیار کهنه استعمال میشود. مثلاً در کارخانه بهشهر ۹۰ درصد ماشینها متعلق به زمان تاسیس کارخانه، یعنی ۴۲ سال پیش است. مقدار تولید این ماشین‌ها ۵-۲ برابر کمتر از تکنیکهای جدید است در عین حال سوء مدیریت یکی از مسائل مهم این صنایع بخصوص پس از انقلاب است. مثلاً یکی از کارخانه‌های نساجی قزوین در فاصله بعد از انقلاب تا امروز ۵ بار مدیریتش تعویض شده!

از این ۳۰ درصد وابستگی که ۱۲ درصدش مربوط به استهلاک ماشین آلات ۴۰ درصد لوازم یدکی و ۱۵ درصد مربوط به رنگ و مواد شیمیائی است. از ۷۰ درصد بقیه ۱۵٪ آن مربوط به پنبه و ۵۰ درصد مربوط به دستمزد کارگران است. ولی در بهشهر دستمزد به ۸۰ درصد میرسد. یعنی مثلاً پارچهای را که برایمان ۹۰ ریال تمام میشود ۶۲ ریالش را دستمزد تشکیل میدهد.

اما تاکید کنم، که این نظریه‌ای کاملاً غلط است که بالا رفتن قیمتتها را بطور یکجانبه به افزایش دستمزد کارگران نسبت میدهد. اساس افزایش قیمتها برمیگردد به سیاستهای غلط دولتهای گذشته و حال که برنامه ریز پهایشان بدون مطالعه و بدون توجه به ضرورتهای واقعی تنظیم و اجرا میشود.

در زمان شاه، فاصله بین قیمت فروش کارخانه‌های تولیدی در کارخانجات نساجی تا قیمت فروش درمغازه‌ها ۵۰ درصد و فاصله بین قیمت تمام شده کارخانه‌های وارداتی تا قیمت فروش درمغازه‌ها ۱۱۰ درصد بود. یک چنین شکاف وحشتناکی، مسلماً سبب تضعیف تولیدات داخلی و تقویت گرایش به واردات و توزیع محصولات وارداتی میشد در عین حال تعویض ماشین آلات نساجی، برای افزایش بهره‌وری، بدلیل اختناق و فشار ناشی از سیستم وابسته بورگراسی دولتی عملاً غیر ممکن بود. آیا هنوز هم صنایع نساجی باید چنین سیاستهای خانمان براندازی روبرو هستند؟ مسئله وابستگی و راههای رهایی از وابستگی در نساجی بنظر شما چیست؟ اساساً بنظر شما راه علاج نساجی چیست؟

مهندس بنگداریور - بسیاری از این مسائل و مشکلات همچنان موجودند و در عین حال بسیاری مسائل دیگر هم پس از انقلاب اضافه شده است گذشته از روشن نبودن نظام اقتصادی، مشکلات گذشته راه حل میطلبند و این راه حل بدون شک باید بدست اهل فن اتخاذ شود. من فکر می‌کنم ضروری ترین مسئله برای صنایع کشور در شرایط فعلی، ایجاد یک انجمن برای هر رشته است. یعنی مثلاً در رشته نساجی، یک انجمن نساجی، کار تحقیق و بررسی و ارائه رهنمود و راه حل را بعهده بگیرد، تا دولت بداند که مسائل واقعی، عینی و ملموس صنایع چیست، تا بتواند برنامه‌های کلی و در عین حال برنامه‌های مشخص برای تک تک واحدهای صنعتی داشته باشد.

پس از انقلاب مرتناً صحبت از این میشود که باید وابستگی‌هایمان را قطع کنیم بسیار خوب، این حرف خوبی است. اما یک مسئله عملی است و راه‌حلهای عملی میطلبند. در صنعت نساجی وابستگی‌ها برمیگردد به سه زمینه ماشین‌آلات، مواد شیمیائی و الیاف مصنوعی. در رشته نساجی پنبه‌ای وابستگی ۳۰ درصد است. یعنی ۳۰ درصد قیمت

ملگرد شرکت بهشهر در سالهای ۵۸-۵۶ و بیش از ۵۹ سال

اقتصادی را در ابراهام گذارده است. هرج و مرج در واردات، مسئله ایست که سالهای سال است مشکل بزرگ صنایع نساجی ماست. بسیاری از پارچه‌ها و منسوجاتی که از خارج وارد میشود، مشابهش در ایران تولید میشود ولی از نظر قیمت، قدرت رقابت کالاهای ایرانی در برابر آنها بسیار ضعیف است. قاچاق منسوجات که هیچ حدود مرزی ندارد. برای مثال پارچه جیت که از مجارستان وارد میشود و متری ۴۵ ریال فروش میرسد، مشابهش برای ما

اَتاق اصناف و مرکز بررسی قیمت‌ها، وضع ناگواری برای نساجی کشور پدید آورده بود، بطوریکه در اثر گسترش واردات و کاهش نرخ سود در صنایع نساجی داخلی، بسیاری از این واحد ها مجبور به کاهش تولید و حتی تعطیل میشدند و سرمایه هایشان را به دیگر رشته‌های سودآورتر انتقال میدادند. در سال ۵۴ تولید ۱۴ کارخانه بزرگ نساجی نزدیک به ۲۵۷ میلیون متر بود اما دو سال بعد به ۲۰۵ میلیون متر رسید. طبق یک بررسی انجام شده

مقدار کل تولید (میلیون متر)	۲۶/۲	۲۵/۸	۲۲/۲	۲۱/۷
دستمزد ها (میلیون ریال)	۲۰۰۸	۱۲۰۸	۶۲۱/۶	۵۲۸/۶
هزینه دستمزد برای یک متر (ریال)	۷۶/۲۲	۵۲/۵۸	۲۷/۲۱	۱۸/۱۲
متوسط قیمت تمام شده یک متر (ریال)	۱۰۲/۱۶	۷۶/۴۰	۵۰/۲۰	۴۰/۹
متوسط قیمت فروش یک متر (ریال)	۷۹	۶۶/۲۲	۲۵/۱۲	۲۲/۱۲
سود در زبان عملیاتی (میلیون ریال)	۶۰۹/۱۰	۲۶۰	۱۰۲/۲۶	۲۵/۹
سود در زبان ویژه (میلیون ریال)	-	۲۲۰۰۰۰	۲۲/۲	۹۱

اعتراض وسیع پزشکان به اعدام دکتر نریسیما

روز جمعه گذشته دکتر اسماعیل نریسیما یک پزشک میهن دوست و در خدمت مردم در ان توطئه‌های عناصر رژیم شاه سلخو که در ارگانهای قدرت رخنه کرده‌اند تیرباران شده‌است. کانون دستیاران تهرانی (پزشکان حین تخصص) در اعلامیه‌ای که به این مناسبت با عنوان "داد خواهی از پیشگاه ملت مبارز ایران" منتشر کرده‌است ضمن شرح زندگی دکتر اسماعیل نریسیما و ذکر خدمات وی در جریان انقلاب، به سابقه درگیری او با یکی از ابادی ساواک اشاره می کند و درباره حوادث بعدی و توطئه‌های این شخص ساواکی علیه دکتر نریسیما می نویسد:

روز جمعه گذشته دکتر اسماعیل نریسیما یک پزشک میهن دوست و در خدمت مردم در ان توطئه‌های عناصر رژیم شاه سلخو که در ارگانهای قدرت رخنه کرده‌اند تیرباران شده‌است. کانون دستیاران تهرانی (پزشکان حین تخصص) در اعلامیه‌ای که به این مناسبت با عنوان "داد خواهی از پیشگاه ملت مبارز ایران" منتشر کرده‌است ضمن شرح زندگی دکتر اسماعیل نریسیما و ذکر خدمات وی در جریان انقلاب، به سابقه درگیری او با یکی از ابادی ساواک اشاره می کند و درباره حوادث بعدی و توطئه‌های این شخص ساواکی علیه دکتر نریسیما می نویسد:

روشنی آن به دفتر ریاست جمهوری شورای انقلاب، وزیر بهداشت، سازمان نظام پزشکی ایران، و روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، انقلاب اسلامی و بامداد ارسال گردید، و نمایندگان کانون دستیاران نیز با بررسی و تحقیق دقیق در منطقه و جمع آوری مدارک مستدل و اظهارات شهود عینی اعلام کردند که اتهامات وارده به دکتر نریسیما کلاً بی اساس است و نامبرده هیچ نقشی در درگیری تالار شهرداری که منجر بشهادت چهار زندانی شد نداشته است. نمایندگان کانون دستیاران تهران بارها با بسیاری از مقامات مملکتی از جمله دفتر ریاست جمهوری مشاوران قضائی و پزشکی رئیس جمهور آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله خامنه‌ای، دکتر سامی، دکتر حبیبی، مهندس صباغیان و... تماس گرفته‌اند، و خواستار ارائه مدارک موجود نزد کانون دستیاران تهران دال بر بیگناهی دکتر نریسیما به دادگاه مربوطه شدند، و تقاضا کردند که این مدارک در یک دادگاه علنی بررسی شود.

نیز جان خود را در راه خدمت به آنان فدا کرده و احترام به حرفه مقدس پزشکی فعلاً از اعتصاب نامحدود خودداری کرده و با قلبی آکنده از اندوه به کار خود ادامه میدهیم. بعنوان اعتراض شدید و ابراز تنفر از این جنایت در هفتمین شب شهادتش در روز چهارشنبه ۵۹/۴/۱۱ دست از کار کشیده و فقط به مداوای بیماران اورژانس خواهیم پرداخت.

بمناسبت اعدام توطئه‌آمیز دکتر نریسیما دستیاران بیمارستان های آموزشی تهران در روز یکشنبه ۸ نیرماه یک گروهائی در بیمارستان کودکان مفید با شرکت بیش از پانصد پزشک و دستیار ترتیب دادند و قطعنامه ای در این مورد صادر شده‌است که برخی نکات آن در زیر می‌آید:

- ۱- محاکمه مخفی و اعدام پزشک فداکار و علیرغم خواست اکثر پزشکان حین تخصص ایران مبنی بر محاکمه علنی و امکان حضور وکیل مدافع و ارائه مدارک لازم از نظر ماشدیدا محکوم است.
- ۲- ما خواهان معرفی و محاکمه و مجازات مسببین مغرض این توطئه و جنایت هولناک در پیشگاه ملت ایران میباشیم.
- ۳- ...
- ۴- به پاس احترام به بیماران دردمند و مستضعفی که دکتر نریسیما

اسلامی و ضد امپریالیستی ایران پرداخت. پس از دکتر زنگنه حجت الاسلام هاشمی نژاد ضمن تشریح مواضع انقلاب و برخورد به شایعات و تهمت‌های گوناگون امپریالیستها و صهیونیستها علیه انقلاب ایران، از حمایت و پشتیبانی لیبی و الجزایر از انقلاب ایران تقدیر کرد و افزود که ما انتظار داریم این کشورها موضع قاطع تری در برابر امپریالیسم بگیرند چون دردمان را احساس می‌کنند. حجت الاسلام هاشمی نژاد در ادامه سخنانش به حمایت سرهنگ قذافی از دولت کودتاجی ببرک کارمل انقلاب نامیدن و کودتای مزدوران روسی اشاره کرده میگوید، ما در یک کلام معتقد هستیم که شما به تمام جبهه‌های آزادیبخش جهان معمولاً کمک کردید و مایادمان نمی‌رود که در سالهای اول در رابطه با ایرلند صریحاً خود معمر قذافی گفتند که ما از ایرلند حمایت می‌کنیم و از اعلام این قضیه ابایی نداریم. بنابراین امروز برادران و خواهرانتان در افغانستان در انتظار حمایت بیدریغ شما هستند و یک کلام و خلاصه دیدگاه ما این است که مسلم شما هم این دیدگاه را دارید که این ملت‌ها هستند که باید سرنوشت خودشان را تعیین کنند و افغانستان از این اصل کلی

کشور عراق بعنوان یک کشور برادر یاد کرده و خواهان برقراری روابط بین ایران و عراق شد. سرهنگ قذافی در طی سخنانش حضور روسیه در خاورمیانه را سکه اخیراً با ایجاد ارتباط بیشتر چه نظامی و چه سیاسی با سوریه، یمن جنوبی، لیبی، الجزایر و سازمان آزادیبخش فلسطین تقویت شده - تأیید کرده و میگوید: وقتی ابرقدرتی مثل آمریکا به منطقه خلیج دخالت نظامی میکند، طبیعی است که ابر قدرت ضد آمریکا وارد منطقه شود. وی همچنین اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه را تأیید کرده و به دفاع از رژیم روسی کارمل می‌پردازد، در این میان حجت الاسلام هاشمی نژاد از او چند سؤال کرد از جمله اینکه، بنظر شما در افغانستان چه کسی می‌چنگد؟ چگونه میتواند دولتی که صد هزار سرباز بیگانه در داخل کشور خود دارد، ادعا کند که دولتی مستقل است؟ شما که ادعا می‌کنید مادر داخل کشورمان علیه ارتجاع و فتوادلایزم و سرمایه‌داری مبارزه میکنیم چگونه در خارج از کشورتان (درفغانستان) از ارتجاع و فتوادلایزم و سرمایه‌داری حمایت می‌کنید؟ اما سرهنگ قذافی از جواب دادن به این سئوالات طفره رفته و همه را بی پاسخ می‌گذارد.

احیاء نظام وظیفه در آمریکا

پس از هفت سال لغو سیستم نظام وظیفه اجباری در آمریکا، روز شنبه هفته گذشته کنگره امریکا لایحه جدید نظام وظیفه را تصویب نمود و به ارگانهای دولتی ابلاغ کرد. طبق این لایحه کلیه متولدین مردسالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ بخدمت زیر پرچم فراخوانده شده و در مدت دو هفته می باید خود را بمرکز سرباز گیری معرفی کنند. در اوایل دهه ۵۰ بدنیا ل گسترش موج اعتراضی بر علیه تجاوز فاشیستی امپریالیسم امریکادر هندو چین و خودداری جوانان امریکایی از پیوستن به ارتش سرمایه‌داری امریکا سیستم نظام وظیفه اجباری را لغو و سیستم داوطلبانه‌ای را جایگزین آن نمود.

باتشدید رقابت جنگ افروزانه ابرقدرتها تجاوز نظامی امپریالیسم شوروی به افغانستان و بحران اقتصادی و گسترش بیکاری در

جبهه داخلی، امریکادست به تقویت نیروهای نظامی خود زده و در این مورد نوسازی ارتش و نیروهای دریایی و هوایی را در دستور کار خویش قرار داده‌است. یکی از نمایندگان کنگره بنام لارنس کانگیسن گفته که "ما نباید خود را گول بزنییم، اگر فکر میکنید که رهبران شوروی برای تجاوز دیگری همانند تجاوز به افغانستان تامل خواهند کرد، ما اشتباه غم انگیزی را مرتکب شده‌ایم." طبق مفاد همین لایحه کسانی که از معرفی خود سرباز زنند به ۵ سال زندان و ۱۰ هزار دلار جریمه محکوم خواهند شد. ولی از هم اکنون جوانان امریکایی که به عواقب خانمان برانداز جنگ جهانی دیگری واقف هستند و نمی‌خواهند گوشت دم توپ ابرقدرتها شوند به اعتراض پرداخته و موج مخالفت با این لایحه در حال پا گرفتن است.

